



رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی نسبت به اهداف مجازات

مقاله علمی - پژوهشی

مهدی رضا صادقی* - دکتر سید قاسم زمانی**

چکیده:

نظام حقوق بین‌الملل، فاقد یک روش خاص در رابطه با مجازات و ارزیابی اهداف آن است. درحالی‌که برخی سیستم‌های ملی*** با گذر از مرحله نظام سنتی تعیین مجازات به مقوله عدالت ترمیمی توجه دارند، نظام کیفری بین‌المللی، اهدافی آرمان‌گرایانه را از مجازات به سبک نظام کلاسیک داخلی تعقیب می‌نماید. دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و از جمله دیوان کیفری بین‌المللی، هرکدام بنا به شرایط ویژه‌ای که در چهارچوب آن به‌وجود آمده‌اند، رویکردی خاص یعنی صلح و سازش و درعین‌حال، عام که همان اهداف کلاسیک در سیستم‌های ملی است، نسبت به اهداف مجازات داشته‌اند. هدف نوشتار حاضر، استخراج و استنباط اهداف مجازات با روش تفسیری - تحلیلی در پرتو اسناد و رویه قضایی دیوان کیفری بین‌المللی است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رویکرد دیوان را می‌توان متأثر از رویه سایر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی و مقدمه اساسنامه رم دانست. دیوان همچنین تلاش نموده است تا عناصری از سیستم عدالت ترمیمی در حقوق داخلی را از حیث هنجاری و عملی وارد سیستم عدالت کیفری بین‌المللی نماید هرچند که جبران خسارت در دیوان از آثار مجازات است نه جزئی از اهداف مجازات.

* دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، نویسنده مسئول
Email: Mahdireza_sadeghi@yahoo.com
** استاد گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران
Email: zamani@atu.ac.ir
*** در رابطه با مقوله عدالت ترمیمی، دولت‌های نیوزیلند، استرالیا، کانادا و ایالات متحده را می‌توان از دولت‌های پیشگام نام برد.

کلیدواژه‌ها:

اهداف مجازات، دیوان کیفری بین‌المللی، عدالت ترمیمی، جنایات بین‌المللی، عدالت کیفری، رویکردهای کلاسیک و نوین مجازات.

مقدمه

هدف از دادرسی کیفری به‌ویژه مجازات، همواره در کانون توجهات سیستم‌های عدالت کیفری قرار داشته و دارد. تلاش برای دستیابی به اهداف مفید و مؤثر مجازات، باعث شده است سیستم‌های عدالت کیفری ملی تا حدود زیادی از رویکردهای سنتی خود فاصله بگیرند و اهداف نوینی که شامل عدالت ترمیمی است را تدارک ببینند، حتی فراتر از این مسئله، برخی مفسرین از کنار گذاشتن سیستم [کلاسیک] سزادهی که مبتنی بر سرزنش و مجازات است، طرفداری و بر عدالت ترمیمی که مبتنی بر جبران خسارت از بزه‌دیده و اصلاح مجرم است، تأکید نموده‌اند.^۱ سیستم عدالت کیفری بین‌المللی نیز پایه‌های خود را در رابطه با مجازات، بر مبنای حقوق داخلی استوار نموده است، هرچند به برخی از اهداف کلان حقوق بین‌الملل یعنی صلح و سازش نیز توجه دارد، به‌عنوان نمونه، از نظر دبیرکل وقت سازمان ملل متحد، دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اهداف متعددی را دنبال می‌نمایند، شامل کسانی که به‌خاطر نقض‌های فاحش حقوق بشر و حقوق بشردوستانه مسئول هستند به‌دست عدالت سپرده شوند، پایان دادن به چنین نقض‌هایی و پیشگیری از تکرار آنها، تحقق عدالت و کرامت برای قربانیان، ایجاد یک سابقه از حوادث گذشته، کمک به سازش ملی، استقرار مجدد حاکمیت قانون و مشارکت در ایجاد صلح.^۲ نخستین جلوه‌های اهداف مجازات را می‌توان در محاکم نظامی بین‌المللی یافت، هرچند این محاکم به‌طور سیستماتیک درصدد طراحی و ارائه الگویی از مجازات نبودند اما رویکرد سزاگرایانه آنها در محاکم کیفری بین‌المللی بعدی مورد توجه قرار گرفت. «دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موردی یوگسلاوی و رواندا» هم از حیث هنجاری و هم از حیث رویه‌ای توجه ویژه‌ای به اهداف مجازات داشتند. در قطعنامه‌های مؤسس^۳ این محاکم، به برخی از اهداف مجازات اشاره شده و برخی دیگر از

1. Donald H.J. Hermann, "Restorative Justice and Retributive Justice: An Opportunity for Cooperation or an Occasion for Conflict in the Search for Justice," *Seattle Journal for Social Justice* 16(2017): 103.

2. Un.Secretary-General, *The Rule of Law and Transitional Justice in Conflict and Post Conflict Societies*, para.38, un.doc.s/ 2004/616.

3. Un. Doc. S/Res/827, 1993. Un. Doc. S/Res/955/1994.

اهداف در آرای صادره، مورد توجه قرار گرفته‌اند که به برخی از آنها اشاره خواهد شد. رویکرد این محاکم به‌طور کلی با شیوه سنتی سیستم‌های عدالت کیفری ملی قابل تطبیق است. رویکرد «دیوان کیفری بین‌المللی» تا حدود زیادی برگرفته از «محاکم کیفری بین‌المللی موردی» است با این تفاوت که دیوان به‌طور کلی سیستمی هدفمند را در رابطه با جبران خسارت طراحی نموده است. در این مقاله، صرفاً هدف‌شناسی مجازات در دیوان، مورد بررسی قرار خواهد گرفت و به عوامل تعیین مجازات که خود، بحث مستقلی است، پرداخته نخواهد شد. مقاله در دو بخش تنظیم شده است که در قسمت اول به بررسی رویکرد کلاسیک و در قسمت دوم به رویکرد نوین اهداف مجازات در دیوان می‌پردازیم. پرسش‌های اصلی تحقیق این است که آیا دیوان بر رویکرد کلاسیک اهداف مجازات تمرکز دارد؟ آیا رویکرد نوین و یا عدالت ترمیمی را می‌توان از اهداف مجازات در دیوان دانست؟

۱- رویکرد دیوان به اهداف کلاسیک مجازات

شناسایی رویکرد دیوان نسبت به اهداف مجازات، مستلزم بررسی پیشینه قضایی موضوع، بررسی اسناد حقوقی قابل استناد و رویه قضایی دیوان است

۱-۱- پیشینه قضایی در دسترس دیوان

در رویه «دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موردی یوگسلاوی و رواندا»، «سزادهی^۴ و بازدارندگی^۵»، دو هدف اصلی مجازات تلقی شدند، به‌عنوان نمونه، در پرونده «تولیمیر»، «دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی پیشین»^۶ اعلام نمود: «هدف اصلی مجازات جرایم داخل در صلاحیت دادگاه که در رویه قضایی دادگاه به رسمیت شناخته شده است، سزادهی و بازدارندگی است. سزادهی منعکس‌کننده موضع جامعه بین‌المللی است که چنین جرایمی، مجازات می‌شوند و بی‌کیفری رواج نخواهد داشت. بازدارندگی - اعم از خاص و عام - به‌عنوان یک هدف مهم برای مجازات به‌کار می‌رود. در رابطه با بازدارندگی، مجازات تعیین شده به‌وسیله شعبه می‌بایست به‌اندازه کافی مانع مجرم از تکرار جرم باشد (بازدارندگی خاص) و می‌بایست اطمینان دهد که دیگر مرتکبین بالقوه (بازدارندگی عام)، از ارتکاب جرایم

4. Retribution

5. Deterrence

6. International Criminal Tribunal for the Former Yugoslavia (ICTY)

مشابه، بازداشته می‌شوند.»^۷

اصلاح مجرم، هدف دیگری بود که در درجه دوم اهمیت قرار داشت و اهمیت بیش‌ازحد، برای آن در نظر گرفته نشد.^۸ در برخی پرونده‌ها از جمله، پرونده «امرکوبورا و حسنویچ»، شعبه دادرسی به مسئله توان‌گیری^۹ اشاره و اعلام نمود در تعیین مجازات، شعبه می‌بایست همچنین هدف حمایت از جامعه را با توان‌گیری از اشخاص خطرناک^{۱۰} در نظر داشته باشد.^{۱۱} البته چنین هدفی به صورت گسترده، موردپذیرش دادگاه قرار نگرفت، به عنوان نمونه، شعبه دوم دادرسی اعلام نمود، نمی‌توان برای توان‌گیری اهمیت چندانی در نظر گرفت.^{۱۲} در آرای متعددی، به این جنبه مجازات، اشاره‌ای نشد. هدف توان‌گیری را می‌توان منطبق با جنبه خاص و شخصی بازدارندگی دانست، ضمن اینکه، به دلیل تعداد قابل توجه و زیاد افراد درگیر جنگ، درمقابل اندک افراد دستگیرشده، نمی‌توان یک کارایی، همانند حقوق داخلی، برای چنین هدفی انتظار داشت. توان‌گیری را در این دادگاه، صرفاً می‌توان در ارتباط با مجرمینی که دارای سمت‌های بالای نظامی، مانند فرماندهان هستند در نظر گرفت و کارایی آن تا زمانی موردپذیرش است که هنوز مخاصمه پایان نپذیرفته باشد.

۱-۲- طرح موضوع در دیوان کیفری بین‌المللی

یکی از موضوعات مهم در «کمیسیون حقوق بین‌الملل» و مباحث طرح‌شده در جریان کنفرانس رم، مسئله مجازات بود. مباحث مطرح‌شده، بر پایه اهداف کلاسیک مجازات استوار بود. قبل از کنفرانس رم، «کمیته‌های موردی و مقدماتی» برای تشکیل دیوان نیز به مسئله کیفرهای قابل‌اعمال، پرداخته بودند. در مباحث «کمیته موردی برای تشکیل دیوان»، مجازات‌های پیشنهادشده، زندان، اعدام، ضبط و استرداد اموال، جزای نقدی و پرداخت غرامت به بزه‌دیدگان

7. ICTY Judgement, Prosecutor v. Radovan Karadzic, case No- IT-95-5/18-T, T.Ch, 24 March 2016. Paras.6025-6026.

8. ICTY, Judgement, Prosecutor v.Stakic, case No, IT-97-24-A, A.Ch, 22 March 2006, para, 402/ 2. ICTY, Judgement, Prosecutor v.Delalic, case No, IT-96-21-A, A.Ch, 20 February 2001, para, 805 and ICTY, Judgement, Prosecutor v.Kordic and Cerkea, case No, IT-95-14/2-A, A.Ch, 17 December 2004, para, 1079

9. Incapacitation

۱۰. شعبه دادرسی، اشخاص خطرناک را مشخص نموده است، چنین اشخاصی، کسانی هستند که به دلیل موقعیت سازمانی و فرماندهی، می‌توانند جنایات فجیع را مرتکب و یا دستور اجرای آن را بدهند.

11. ICTY Judgement, Prosecutor v.Enver Hadzi Hasanovic, Amir Kubura, case No.IT-02-47-T-15,T.Ch.15 March 2006, para. 2073.

12. ICTY Judgement, Prosecutor v. Milorand Krnojelac, T.ch II, cace no. IT- 09-25-T, 15 March 2002, para. 508.

بود، در رابطه با مجازات اعدام بین نمایندگان دولت‌ها اختلاف نظر وجود داشت، ضمن اینکه مجازات جزای نقدی - از حیث تناسب با جرم و مکانیسم اجرای آن - مورد تردید قرار گرفت.^{۱۳} در «کمیته مقدماتی برای تشکیل دیوان» نیز مجازات زندان مورد توجه قرار گرفت، برخی نمایندگان، مشکلاتی را در خصوص حبس ابد، اعلام و برخی دیگر، حبس ابد و حبس برای مدت معین را به‌عنوان مجازات‌های اساسی دیوان در نظر گرفتند. جزای نقدی، به‌دلیل خطرناکی جرایم و مشکلات عملی برای وصول آن، به‌لحاظ فقدان یک مکانیسم اجرایی، در پیش‌نویس اساسنامه، پذیرفته نشد، بلکه به‌عنوان یک مجازات تکمیلی در رابطه با مجازات زندان در نظر گرفته شد. در رابطه با مجازات اعدام، اختلاف نظر وجود داشت، برخی، قاطعانه خواستار خروج آن از مجازات‌ها بودند و برخی دیگر از نمایندگان، معتقد به عدم حذف آن بودند، بر این اساس که در برخی سیستم‌های حقوقی در رابطه با جرایم مهم، پذیرفته شده است.^{۱۴}

یکی از مباحث جدی در جریان مذاکرات «گروه کاری در خصوص کیفرهای قابل اعمال در کنفرانس رم»، نوع مجازات بود. طرفداران مجازات اعدام که عمدتاً از کشورهای اسلامی بودند، تأکید داشتند که مجازات‌های مورد نظر در ارتباط با مهم‌ترین جرایم بین‌المللی است و مجازات می‌بایست متناسب با شدت بیش‌ازحد این جرایم باشد و مجازات اعدام می‌تواند دارای یک اثر بازدارندگی مؤثر باشد، درمقابل سایر کشورها که شامل کشورهای اروپایی و آمریکای لاتین بودند به نسخ مجازات اعدام در قوانین داخلی و تعهدات بین‌المللی خود در این خصوص استناد می‌نمودند و حتی به محدودیت‌های حقوق بشری در رابطه با مجازات حبس ابد نیز اشاره می‌نمودند.^{۱۵} اما اکثر کشورها با کیفر اعدام مخالفت نمودند و درنهایت، آنچه مورد موافقت قرار گرفت، حبس معین برای کمتر از سی سال و حبس ابد بود.

در اساسنامه دیوان و قواعد مرتبط با آن اشاره‌ای به اهداف مجازات نشده است، یکی از دلایل عمده این مسئله، ناشی از این واقعیت است که در مذاکرات مربوط به اساسنامه رم، تمرکز مذاکره‌کنندگان بر نوع مجازات بود تا ماهیت آن. در سایر محاکم کیفری بین‌المللی نیز

13. Report of the Ad Hoc Committee on the Establishment of an International Criminal Court, General Assembly Official Records, Fiftieth Session, Supplement, No. 22 (A/50/22), 1995, para 188 and p, 60.

14. Report of the Preparatory Committee on the Establishment of an International Criminal Court, vol. 1, March-April and August 1996, General Assembly Official Records, Fifty-First Session, Supplement No. (A/51/22), paras. 305-306.

15. A/conF.183/13 (VOL II) United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court, Rome 15 June-17 July 1998, Official Records, Summary Records of the Plenary Meetings and of the Meeting of the Committee of the Whole.

چهارچوب مشخصی از حیث هنجاری و سیستماتیک برای اهداف مجازات طراحی نشد. بدیهی است که نظام حقوق بین‌الملل، فاقد الگوی خاصی در این زمینه است. به‌خاطر کاستی‌های نظام حقوق بین‌الملل در این رابطه است که «دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی» در آرای متعدد، به قوانین داخلی استناد نمود.^{۱۶} با بررسی آرای صادره توسط دیوان، اساسنامه و سایر اسناد مرتبط دیوان و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی می‌توان اهداف مجازات را در دو رویکرد کلاسیک و نوین مورد بررسی قرار داد.

۱-۳- تداوم اهداف کلاسیک مجازات در دیوان؟

رویکرد سنتی مجازات، نوعاً بر اهداف سزادهی و بازدارندگی - عام و خاص - متمرکز است.^{۱۷} حال آیا می‌توان چنین اهدافی را از مجازات‌های دیوان کیفری بین‌المللی انتظار داشت؟ برخی از مفسرین، معتقد هستند در رویه «دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق و رواندا»، سزادهی و بازدارندگی عمومی، اهداف اصلی مجازات به‌شمار می‌روند. بی‌تردید، دیوان نیز همین رویه را در پیش خواهد گرفت.^{۱۸}

در جریان مذاکرات کنفرانس رم، بسیاری از نمایندگان هیئت‌های دیپلماتیک دولت‌ها، بر این عقیده بودند که وجود دیوان از نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی جلوگیری می‌کند. به‌عنوان نمونه، نماینده کانادا تأکید داشت که یک دیوان کیفری بین‌المللی مستقل و مؤثر کمک خواهد کرد تا مانع ارتکاب مهم‌ترین نقض‌های فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی شود.^{۱۹} نماینده کره جنوبی اعلام نمود که محاکمه مرتکبان جرایمی که موضوع نگرانی بین‌المللی است، دارای اثر بازدارندگی مؤثر است.^{۲۰} برخی از نمایندگان نیز اعتقاد به رابطه بین مجازات شدید و بازدارندگی داشتند. به‌عنوان نمونه، نماینده یمن اعتقاد داشت مجازات اعدام برای یک بازدارندگی مؤثر، ضروری است.^{۲۱} نماینده سنگاپور، نگرانی خود را از

16. ICTY Judgement, Prosecutor v. Dragam Obrenovic, Case No. IT-02-60/2/-s, 10 December 2003, para. 48

۱۷. سزادهی، در واقع درد و رنجی است که به مجرم در نتیجه عمل او وارد می‌آید، سزادهی مکافات عمل ارتكابی است. بازدارندگی به معنای بازداشتن مرتکب و دیگران از ارتکاب جرم در آینده است.

۱۸. کریانگ ساک کیتی شیایزری، حقوق بین‌المللی کیفری، ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی (تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱)، چاپ دوم، ۵۸۶.

19. Un.doc.A/CinF.183 (vol II), 15 June 1998, 2nd plen, mtg.II 63.

20. Ibid, Mtg. II 81.

21. Ibid, 8th plen, Mtg, 3640, 18 June 1998.

اینکه فقدان مجازات اعدام، تأثیر دیوان را بر پیشگیری کاهش می‌دهد، ابراز نمود.^{۲۲} برخی از صاحب‌نظران نیز صرف وجود دیوان را دلیلی بر بازدارندگی اعلام نمودند، به‌عنوان نمونه ویلیام پیس، رئیس ائتلاف برای دیوان کیفری بین‌المللی، اعلام نمود: «دیوان از وقوع جرایم پیشگیری می‌نماید و باعث تقویت سیستم‌های حقوق ملّی در تعقیب جرایم علیه بشریت می‌شود. دیوان کیفری بین‌المللی، میلیون‌ها نفر از اشخاص را از کشتارهای غیرانسانی و دهشتناک در دهه‌های آتی نجات خواهد داد. دیوان یک دستاورد باورنکردنی است.»^{۲۳}

هرچند برخی از دیدگاه‌های بیان‌شده در زمان تشکیل دیوان، آشکارا آرمان‌گرایانه محسوب می‌شدند اما آنچه درنهایت در این خصوص، یعنی پیشگیری از جرم موردتصویب قرار گرفت، یک پاراگراف در مقدمه بود، یعنی «پایان دادن به بی‌کیفری مرتکبان این جرایم و در نتیجه مشارکت در پیشگیری از چنین جرایمی». در پاراگراف دیگری نیز به مجازات شدیدترین جرایمی که موجب نگرانی جامعه بین‌المللی است، اشاره می‌شود.

در متن اساسنامه به مسئله پیشگیری اشاره شده است. بر اساس ماده ۵۸ اساسنامه، شعبه پیش‌دادرسی باید پس از شروع به تحقیق توسط دادستان و پس از وصول درخواست وی، با بررسی درخواست و ادله یا سایر اطلاعاتی که توسط مقام مذکور ارائه شده، دستور بازداشت شخص را صادر نماید به شرط آنکه متقاعد شود که:

الف) قوانین کافی وجود دارد که ارتکاب یکی از جرایم در محدوده صلاحیت دیوان را مدلل سازد؛ ب) بازداشت شخص به جهات زیر ضروری به نظر برسد:

۱- اطمینان از حضور وی در دادرسی؛ ۲- حصول اطمینان از اینکه شخص مزبور مانعی

در راه تحقیقات و یا رسیدگی دادگاه ایجاد نمی‌کند و یا انجام آنها را به خطر نمی‌اندازد؛

۳- هرگاه مورد اقتضاء نماید، بازداشتن شخص از ادامه ارتکاب جرم و یا جرم مرتبط با آن

که در محدوده صلاحیت دیوان است و از همان اوضاع و احوال ناشی شده است.

آنچه مسلم است این ماده نمی‌تواند بیانگر هدف بازدارندگی به‌عنوان یکی از اهداف

مجازات باشد، زیرا این ماده ناظر بر مرحله تعقیب است و هنوز حکمی از ناحیه شعبه دادرسی

دیوان صادر نشده است.

22. Ibid, 9th plen, Mtg, 49, 17 July 1998.

23. William R. Pace, "Statement of World Federalist Movement on Behalf of the Coalition for an International Criminal Court, United Nations," Last Accessed August 27, 2019, www.un.org/icc/s/Peeches/n 717wfm.html, 17 July 1998.

۴-۱- نقش مقدمه در بیان اهداف کلاسیک مجازات

به غیر از مقدمه، سایر مواد اساسنامه و سایر اسناد مرتبط از جمله قواعد دادرسی و ادله، به بیان اهداف دیوان نپرداخته‌اند. باین حال آیا می‌توان گفت مفاد مقدمه در رابطه با بیان اهداف دیوان، تعیین‌کننده و قاطع است؟ پاسخ به این پرسش منوط به جایگاه حقوقی مقدمه در یک معاهده است. بر اساس ماده ۳۱ عهدنامه ۱۹۶۹ وین در خصوص معاهدات، هر معاهده باید با حسن نیت و بر اساس معنای عادی و متداولی که به اصطلاحات معاهده در سیاق آنها داده می‌شود و در پرتو موضوع و هدف معاهده تفسیر گردد. بر اساس بند دوم این ماده، سیاق^{۲۴}، علاوه بر متن که شامل مقدمه و ضmann است، مشتمل بر هرگونه توافق مرتبط با معاهده و هر سندی است که به مناسبت انعقاد معاهده توسط یک طرف یا تعدادی از طرف‌های معاهده تنظیم شده است و دیگر طرف‌های معاهده آن را همچون سندی مرتبط با معاهده، پذیرفته باشند. ساختار ماده ۳۱ به‌عنوان یک قاعده کلی، تردیدی باقی نمی‌گذارد که تمام عناصر ماده ۳۱ [از جمله مقدمه] و همچنین ابزارهای تکمیلی^{۲۵} تفسیر در ماده ۳۲ به این هدف کمک می‌کنند.^{۲۶}

مقدمه، غالباً مبین هدف و موضوع معاهده است و در بعضی موارد، از اصولی سخن می‌گوید که با استناد به آنها مقام و موقع [موقعیت] معاهده در نظم حقوقی بین‌المللی معین می‌شود.^{۲۷} مقدمه یک معاهده از حیث تفسیر، بخشی از متن معاهده محسوب می‌گردد. «دیوان بین‌المللی دادگستری» در قضیه آفریقای جنوب غربی در خصوص نقش مقدمه معاهده، اعلام نمود: «ملاحظات بشردوستانه می‌تواند تشکیل‌دهنده مبانی الهام‌بخشی برای حاکمیت قانون باشد، به‌عنوان نمونه، بخش‌های مقدماتی منشور ملل متحد، تشکیل‌دهنده مبانی سیاسی و اخلاقی برای مقررات حقوقی خاص است که بعد از آن بیان شده است.»^{۲۸}

شعب دیوان نیز بنا به مورد، به بررسی جایگاه مقدمه اساسنامه دیوان پرداخته‌اند. شعبه

24. Context

۲۵. ماده ۳۲ عهدنامه ۱۹۶۹ وین در خصوص حقوق معاهدات: به وسایل تکمیلی تفسیر، از جمله کارهای مقدماتی و اوضاع و احوالی که در آنها معاهده انعقاد یافته است، می‌توان متوسل شد به شرطی که به‌منظور تأیید معنای حاصل از ماده ۳۱ باشد و یا تعیین معنای مبهم معاهده در صورت تفسیر آن طبق ماده ۳۱: الف - معنایی مبهم یا نامفهوم به‌دست دهد؛ ب - به نتیجه‌ای منجر شود که آشکارا بی‌معنا و نامعقول است.

26. Mark E. Villiger, *Commentary on the 1969 Vienna Convention on the the Law of Treaties* (Leiden. Boston: Martinus Nijhoff Publishers, 2009), 498.

۲۷. هدایت‌الله فلسفی، *حقوق بین‌الملل معاهدات* (تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۷۹)، چاپ اول، ۴۵۷.

28. ICJ Judgement, *South West Africa Cases (Ethiopia v. south Africa, Liberia v. south Africa) Second Phase*, 18 July 1966 para.50.

پیش‌دادرسی در تصمیم خود در راستای ماده ۱۵ اساسنامه رم درخصوص مجوز تحقیق برای وضعیت کنیا، اعلام نمود: «پاراگراف‌های مقدمه، ایده اصلی را که به تمام اساسنامه تسری می‌یابد، نشان می‌دهد.»^{۲۹} در نمونه دیگری، شعبه دوم پیش‌دادرسی اعلام نمود در تفسیر معاهدات، «کنوانسیون وین درخصوص معاهدات» (۲۳ می ۱۹۶۹) به‌خصوص، مواد ۳۱ و ۳۲ حاکم است و اساسنامه رم نیز از این موضوع مستثنا نیست. شعبه سپس تصریح می‌نماید: «اهداف معاهده می‌تواند از فحوی کلی این معاهده [اساسنامه رم] و مقدمه آن اخذ شود.»^{۳۰} در آرای صادره نیز دیوان به اهداف اساسنامه توجه داشته است. در پرونده جرمن کاتانگا، شعبه دوم دادرسی دیوان به اهداف مندرج در اساسنامه استناد می‌نماید که می‌بایست به‌طور کامل در تفسیر مقررات به‌عنوان یکی از مؤلفه‌ها برای احراز معنای دقیق، در نظر گرفته شود.^{۳۱} در پرونده توماس لوبانگا دیلو نیز، شعبه اول دادرسی دیوان، تأیید نمود که تفسیر اساسنامه رم تابع حقوق معاهدات است که هدف معاهده نیز از مقدمه آن قابل احراز است.^{۳۲} بنابراین با بررسی «کنوانسیون ۱۹۶۹ وین درخصوص حقوق معاهدات» و رویه قضایی بین‌المللی می‌توان گفت، اهداف ذکرشده در مقدمه اساسنامه دیوان، بیانی قاطع و تعیین‌کننده از اهداف دیوان است که در تفسیر مواد اساسنامه و تبیین مجازات، می‌بایست در نظر گرفته شود.

۱-۵- رویه قضایی دیوان در رابطه با اهداف کلاسیک مجازات

رویه قضایی دیوان در رابطه با اهداف مجازات را می‌توان از آرای صادره، استخراج و شناسایی نمود. رویه دیوان بر پایه همان موارد مطرح‌شده در «دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موردی» با تأکید بر سزادهی و بازدارندگی بیان می‌شود.

۱-۵-۱- پرونده توماس لوبانگا دیلو

شعبه دادرسی در تصمیم خود برای تعیین مجازات لوبانگا از بابت اتهام نام‌نویسی و استخدام

29. Decision Pursuant to Article 15 of the Rome Statute on the Authorization of an Investigation into the Situation in the Republic of Kenya, pre-Trial chamber II, No.ICCC-01/09, 31 March 2010, para.54.

30. Judgement on the Prosecutor's Application for Extraordinary Review of Pre-Trial Chamber I.S. 31 March 2006 Decision Denying Leave to Appeale, No.ICCC-01/04,13 July 2006, para.39.

31. Situation in the Democratic Republic of the Congo in the Case of the Prosecutor v.Germain Katanga,T.ch II.No.ICC-01/04-01/07, 7 March 2014, para.55.

32. Situation in the Democratic Republic of the Congo in the Case of the Prosecutor v.Thomas Lubango Dyilo, T.ch I.No.ICC-01/04-01/06, 14 March 2012, para.601.

کودک‌سربازان کمتر از ۱۵ سال برای شرکت در گروه اتحاد میهن‌پرستان برای آزادی کنگو^{۳۳} و استفاده از آنها برای شرکت فعال در مخاصمه از سپتامبر ۲۰۰۲ تا اگوست ۲۰۰۳، به‌طور مختصر به بیان اهداف مجازات پرداخت. «در پرداختن به اهداف مجازات در دیوان کیفری بین‌المللی، شعبه به مقدمه اساسنامه توجه داشته است، جایی که مقرر می‌دارد، شدیدترین جنایاتی که موجب نگرانی مجموعه جامعه بین‌المللی است نباید بدون مجازات بماند. مقدمه به‌علاوه مقرر می‌دارد که دولت‌های عضو مصمم هستند که به بی‌کیفری مرتکبان چنین جرایمی خاتمه بدهند و در نتیجه در پیشگیری از چنین جرایمی مشارکت نمایند، دیوان جهت دستیابی به چنین اهدافی و برای نسل‌های کنونی و آینده ایجاد شده است.»^{۳۴}

درحالی‌که انتظار می‌رفت دیوان در اولین رأی خود، به تشریح و تبیین اهداف ذکرشده در مقدمه اساسنامه بپردازد اما به تکرار و بازخوانی آن اکتفاء نمود و تنها به بیان برخی از جنبه‌های محدود آن از جمله تناسب مجازات پرداخت. شعبه با در نظر گرفتن ماده ۷۸ اساسنامه^{۳۵} و قاعده ۱۴۵^{۳۶} از قوانین آیین دادرسی و ادله، اعلام نمود. ضوابط شدت جرم و شرایط شخصی محکوم‌علیه، عوامل مخففه و مشدده باید برای تعیین مجازات، موردتوجه قرار بگیرد و سرانجام بر اساس قسمت الف از بند دوم ماده ۸۱ اساسنامه شعبه می‌بایست اطمینان یابد که مجازات با جرم متناسب است.^{۳۷} دیوان هرچند به لزوم مجازات متناسب اشاره می‌نماید اما چهارچوبی برای آن بیان نمی‌نماید.

به‌موجب قاعده ۱۴۵ از قواعد دادرسی و ادله، کلیت هر مجازات می‌بایست متناسب با تقصیر شخص مرتکب باشد، چنین عقیده‌ای را می‌توان در رابطه با سازگاری متناسب دانست. چنانچه بر اساس حقوق قابل‌اجرا در دیوان، یعنی مصادیق ماده ۲۱ اساسنامه که اصول عمومی سیستم‌های ملی و حقوق بشر شناخته‌شده بین‌المللی را به رسمیت می‌شناسد، بخواهیم

33. Patriotic Forces for the Liberation of Congo (FPLC)

34. Decision on Sentence Pursuant to Article 76 of the Statute, Situation in the Democratic Republic of the Congo, In the Case of the Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, T.Ch 1, No, ICC-01/04-01/06, 10 July 2012, para.16.

۳۵. ماده ۸۷(۱) اساسنامه دیوان: در موقع تعیین مجازات، دیوان موظف است که مطابق قواعد دادرسی و ادله، عوامل مختلف از جمله اهمیت و شدت جرم و همچنین اوضاع و احوال شخص محکوم‌علیه را در نظر بگیرد.
 ۳۶. به‌موجب قاعده ۱۴۵، دیوان در تعیین مجازات، به‌طور کلی باید به عوامل و کیفیات مخففه و مشدده، شرایط محکوم‌علیه، آسیب وارده به قربانیان و خانواده آنها، ماهیت رفتار نامشروع و ابزار به‌کارگیری در اجرای جرم، میزان مشارکت محکوم‌علیه، درجه قصد، اوضاع و احوال حاکم بر رفتار، زمان و مکان، سن، وضعیت تحصیلی، اجتماعی و اقتصادی محکوم‌علیه توجه نماید.

37. Ibid. paras.23-26

به شناسایی اصول تناسب پردازیم، این موضوع از معاهدات حقوق بشری و قوانین ملی کشورها نیز قابل استخراج است. اصل تناسب جرم و مجازات در پرتو عوامل مختلف و همچنین اصل فردی نمودن مجازات، از اصول مسلم دادرسی کیفری است. تناسب اغلب در چهارچوب شرایط سزادهی بحث می‌شود. بر اساس رویکرد کانتی، اشخاصی که مرتکب جرایم خطرناک‌تری می‌شوند، استحقاق مجازات سنگین‌تری را دارند، یعنی مجازات می‌بایست متناسب با جرم باشد. به‌عنوان نمونه، اگر شخصی مرتکب قتل عمد شود، استحقاق قصاص نفس را دارد. درمقابل تناسب مجازات با رویکردهای فایده‌گرایانه نیز بیگانه نیست زیرا مجازات تا جایی که برای دفاع از هنجارهای اجتماعی است و آثار سودمند - پیشگیری - را به‌دنبال دارد، قابل دفاع است. بحث تناسب و فایده‌گرایی ایجاب می‌کند که مجازات به‌اندازه کافی استفاده شود، نه بیشتر از آنچه که برای پیشگیری از وقوع جرم ضروری است.

لوبانگا از بابت اتهامات طرح‌شده، مجموعاً به ۱۴ سال زندان محکوم شد.^{۳۸} یکی از جهات اعتراض دادستان به این رأی این بود که مجازات تعیین‌شده آشکارا نامتناسب است زیرا شعبه بدوی به‌اندازه کافی به ضوابط مرتبط جهت تعیین مجازات مندرج در قسمت ج بند ۱ ماده ۱۴۵ توجه نکرده است؛ چنین ضوابطی شامل آسیب ایجادشده نسبت به بزهدیدگان و خانواده آنها، ماهیت رفتار غیرقانونی و میزان مشارکت لوبانگا در ارتکاب جرایم، ابزارهای به‌کاررفته جهت ارتکاب جرم، شرایط و اوضاع و احوال مرتبط با زمان و شیوه ارتکاب جرم است.^{۳۹}

شعبه تجدیدنظر پس از بررسی استدلال‌های مطرح‌شده به این نتیجه رسید، اینکه جنبه‌های خاص از دلایل مربوطه صراحتاً ارزیابی نشده‌اند، به‌معنای عدم توجه به آنها نیست و علی‌رغم اینکه ارجاع صریحی در حکم مجازات به دلایل اشاره‌شده از ناحیه دادستان نشده است، در توجه و اهمیت دادن به چنین ضوابطی مرتکب اشتباه نشده است بنابراین استدلال‌های دادستان در این رابطه رد شد.^{۴۰} شعبه تجدیدنظر با اینکه رأی لوبانگا را تأیید نمود ولی هیچ‌گونه بحث صریحی راجع به اهداف مجازات نداشت و تنها به بررسی موضوع تناسب پرداخت. از نظر شعبه، تناسب عموماً به‌وسیله میزان آسیبی که از جرم ایجاد شده است و تقصیر مرتکب ارزیابی می‌گردد و در این پرونده با تعیین مدت مجازات در ارتباط است. شعبه دیوان این عبارت خود را مستند به مقاله‌ای از «آلیزون مارستون وانر» تحت عنوان

38. Ibid, para. 107.

39. Case No. ICC-01/04-01/06 A4 A6, Appeal Judgement, 1 December 2014, paras.29-51.

40. Ibid, paras.72-73.

«تفسیر سلسله‌مراتب جرایم در مجازات حقوق کیفری بین‌المللی» نموده است.^{۴۱} برخی از مفسرین معتقد هستند شعبه تجدیدنظر با به‌کارگیری این عبارت به‌طور ضمنی نظریه سزاگرایی متناسب^{۴۲} را پذیرفته است.^{۴۳}

در شیوه سزادهی ارتباط بین آسیب و مجازات واضح و روشن است. در شیوه فایده‌گرایانه، آسیبی که به‌وسیله عمل متهم ایجاد می‌شود، محاسبه هزینه و فایده را هم برای مجازات متهم و هم برای مدت خاص یک مجازات که وضع می‌شود، تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این حال ارزیابی آسیب در مدل فایده‌گرایی یک نقش مستقیم همانند مدل سزاگرایی بازی نمی‌کند زیرا نظریه فایده‌گرایی بر تأثیر مجازات بر پیشگیری از جرم تأکید دارد در حالی که تمرکز سزاگرایی بر طراحی مجازات متناسب با جرم ارتكابی است.^{۴۴} رأی بدوی لویانگا صراحتاً به اهداف بیان‌شده در مقدمه اساسنامه رم پرداخت که اهداف سزادهی و پیشگیری در آن قابل‌استنباط است.

۱-۵-۲- پرونده جرمن کاتانگا

شعبه دوم دیوان کیفری بین‌المللی در ۷ مارس ۲۰۱۴ جرمن کاتانگا را به سبب معاونت (همدستی^{۴۵}) در ارتکاب قتل به‌عنوان جرم علیه بشریت، چهار مورد جرم جنگی شامل قتل، حمله به جمعیت غیرنظامی، حمله به جمعیت شخصی که شرکت مستقیم در مخاصمه نداشته‌اند، نابودی اموال دشمن و غارت اموال، مجرم شناخت. در حکم راجع به تعیین مجازات شعبه دوم دیوان به‌موجب قسمت (د) از بند ۳ ماده ۲۵ اساسنامه متهم را از بابت معاونت در جرم نابودی اموال به‌عنوان جرم جنگی به ۱۰ سال حبس و همدستی در جرم غارت به‌عنوان جرم جنگی به ۱۰ سال حبس محکوم و درنهایت به استناد بند ۳ از ماده ۷۸ اساسنامه، متهم را بر اساس قاعده جمع مجازات‌ها به ۱۲ سال حبس محکوم نمود.^{۴۶} به‌دلیل انصراف دادستان

41. Ibid, para.40.

۴۲. سزاگرایی متناسب، مفید این معناست که مجازات و یا تحمیل درد و رنج می‌بایست متناسب با خطای مرتکب باشد، به‌عبارت‌دیگر شدت مجازات بستگی به زشتی عمل ارتكابی دارد.

43. Margaret DeGuzman, "Proportionat, Sentencing at ICC," In *The Law and Practice of the International Criminal Court*, edited by Carsten Stahn (New York: Oxford University Press, 2015), First Published, 935.

44. Allison Marston Danner, "Constructing a Hierarchy of Crimes in International Criminal Law Sentencing," *Virginia Law Review* 87 (May 2001): 437-438.

45. Accessory

46. Decision on Sentence Pursuant to Article 76 of the Statute, the Prosecutor v. Germain Katanga T.ch II, No.ICC-01/04-01/07, 23 May 2014, paras.146-147, 169.

و متهم از تجدیدنظرخواهی، موجبی برای بررسی اتهامات در شعبه تجدیدنظر فراهم نگردید و با احراز شرایط تخفیف مجازات از جمله همکاری متهم با دیوان در مرحله تحقیق و تعقیب، شرایط شخصی متهم و پذیرش مسئولیت از ناحیه او و اظهار پشیمانی و ندامت به‌خاطر آسیب‌های وارده به بزه‌دیدگان و در نتیجه اقدامات او، هیئت^{۴۷} قضایی تجدیدنظر^{۴۸}، سه سال و هشت ماه از مجازات زندان را کاهش و ۱۸ ژانویه ۲۰۱۶ تاریخ اتمام حبس او اعلام شد.^{۴۹} با این وصف، مدت مجازات حبس متهم، هشت سال بود.

شعبه دیوان در این پرونده به سبک پرونده مربوط به لوبانگا به بررسی اهداف مجازات پرداخت. از نظر شعبه مواد ۷۷ و ۷۸^{۵۰} اساسنامه، اهداف مجازات را بیان نمی‌نماید ولی شعبه، باز به مقدمه اساسنامه ارجاع می‌دهد. در زمان تعیین مجازات شعبه می‌بایست همچنین به نیازهای مشروع برای عدالت و حقیقت که به‌وسیله بزه‌دیدگان و اعضای خانواده آنها بیان می‌شود، پاسخ دهد؛ بنابراین از نظر شعبه نقش احکام دووجهی [چندوجهی] است؛ از یک طرف، تنبیه یا اعلام محکومیت یک عمل کیفری از ناحیه جامعه در رابطه با شخصی که مرتکب آن عمل شده است، همچنین چنین مجازاتی شیوه‌ای برای تصدیق نمودن آسیب‌ها و رنج‌هایی است که بر بزه‌دیدگان وارد شده است، به عبارت دیگر کارکرد بیانی مجازات و از سوی دیگر بازدارندگی که هدف آن منحرف نمودن اشخاصی است که برای ارتکاب چنین جرایمی برنامه‌ریزی می‌نمایند، در زمان تعیین مجازات شعبه باید اطمینان حاصل نماید که بر اساس قسمت الف بند ۱ قاعده ۱۴۵، مجازات منعکس‌کننده درجه‌ای از تقصیر (مجرمیت) است، ضمن اینکه به اعاده صلح و سازش در جوامع مربوطه کمک می‌کند، در نهایت، شعبه به قابلیت اصلاح متهم و بازاجتماعی نمودن او توجه نموده است هرچند اعلام می‌نماید در زمینه حقوق کیفری بین‌المللی به‌طور خاص نمی‌تواند به‌عنوان هدف اصلی در نظر گرفته شود همچنان که مجازات به‌تنهایی نمی‌تواند بازاجتماعی نمودن شخص محکوم را تضمین

47. Panel

۴۸. هیئت قضایی تجدیدنظر، یک گروه سه‌نفره از قاضیان تجدیدنظر دیوان است که در چهارچوب ماده ۱۱۰(۳) اساسنامه دیوان و قاعده ۲۲۴ از قواعد دادرسی و ادله، در صورت احراز جهات تخفیف مجازات، نسبت به کاهش مجازات زندان اقدام می‌نماید. این هیئت، متفاوت از شعبه تجدیدنظر دیوان است.

49. Decision on the Review Concerning Reduction of Sentence of Mr Germain Katanga Three Judges of the Appeals Chamber Appointment for the Review Concerning Reduction of Sentence, No. ICC-01/04/01/07, 13 November 2015, paras. 114-116.

۵۰. ماده ۷۷ به نوع مجازات یعنی، حبس برای مدت معین و حبس ابد و ماده ۷۸ به ضوابط تعیین مجازات اشاره می‌نماید.

نماید.^{۵۱} هرچند شعبه سعی نمود به اهداف اصلاحی متهم توجه نماید^{۵۲} ولی جایگاه مهمی برای آن در نظر نگرفت. به نظر می‌رسد کارکرد اصلاحی در صحن [نزد] دادگاه‌های کیفری بین‌المللی یا حتی رسیدگی‌های دیوان کیفری بین‌المللی کمی مشکل باشد، در واقع، شدت جرایم ارتكابی یکی از دلایل اساسی است که مانع تصور اجرای آسان این کارکرد می‌شود.^{۵۳} در این پرونده هرچند دیوان اهداف گسترده‌تری نسبت به رأی لوبانگو ترسیم نمود ولی همچنان چهارچوب‌های تحقق و ارزیابی آن مسکوت ماند. تنها فرضی که دیوان توانست در رابطه با هدف اصلاح متهم در نظر بگیرد، در ارتباط با عوامل مخففه برای تعیین مجازات است.

۱-۵-۳- پرونده احمدالفقی المهدی

اتهام احمدالفقی المهدی - معروف به ابوتراب - تخریب مقبره‌های تاریخی و مذهبی بود که هدف نظامی نبودند و بجز مقبره شیخ محمد محمود الارادانی، تمام بناهای تخریب‌شده به‌عنوان مکان‌های میراث جهانی تحت حمایت یونسکو بودند. اتهام او تحت عنوان یکی از مصادیق جرایم جنگی که در چهارچوب یک مخاصمه مسلحانه غیربین‌المللی صورت می‌گرفت منطبق با ماده ۸ اساسنامه دیوان (بند ۴ از قسمت ۵ بند ۲) در نظر گرفته شد.^{۵۴} از آنجاکه بجز یک مکان، سایر مکان‌ها میراث جهانی یونسکو محسوب می‌شدند، شعبه هشتم دادرسی، اعلام نمود حمله به این مکان‌ها نه‌تنها بزه‌دیدگان مستقیم^{۵۵} این جرایم یعنی افراد معتقد و ساکن تیمبوکتو، بلکه تمام مردم کشور مالی و جامعه بین‌المللی را متأثر نموده است. پس از رسیدگی درنهایت، شعبه با در نظر گرفتن کیفیات مخففه شامل پذیرش تقصیر از ناحیه متهم، همکاری او با دادستان، ابراز پشیمانی و همدردی با بزه‌دیدگان، عدم تمایل اولیه جهت ارتکاب جرم و اقداماتی که برای کاهش خسارت انجام داد و رفتار مناسب او در دوره بازداشت، او را به نه سال حبس محکوم نمود و مجازات دیگری تعیین نشد.^{۵۶} در این پرونده، شعبه بدوی، همانند استدلال بیان‌شده رأی محکومیت جرمن کاتانگا، با

51. Decision on the Sentence Pursuant to Article 76 of the Statute, the Prosecutor v. Germain Katanga, T.CH II, No. ICC-01/04-01/07, 23 May 2014, paras.37-38

52. Ibid, para.38.

۵۳. بهزاد رضوی‌فرد، «از کارکرد سنتی کیفر در حقوق داخلی تا کارکردهای نوین آن در حقوق بین‌الملل کیفری با تأکید در رویه قضایی»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ۲۱ (۱۳۹۰): ۲۶-۲۵.

54. Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi, Judgement and Sentence, T.Ch viii, No. ICC-01/12-01/15, 27 September 2016, para.11.

55. Ibid, para.80.

56. Ibid. para.109.

اعلام اینکه مواد ۷۷ و ۷۸ اساسنامه به اهداف مجازات کیفری تصریح ننموده‌اند، از مقدمه اساسنامه برای بیان اهداف کمک می‌گیرد. از نظر شعبه، مقدمه اساسنامه، سزادهی و بازدارندگی را به‌عنوان اهداف اصلی مجازات در دیوان کیفری بین‌المللی به‌رسمیت می‌شناسد.^{۵۷} شعبه هدف سزادهی را در ارتباط با مجازات متناسب می‌داند و توضیح می‌دهد که نباید آن را به‌عنوان تمایل برای انتقام در نظر گرفت بلکه اعلام محکومیت چنین جرایمی از ناحیه جامعه بین‌المللی به شیوه تحمیل یک مجازات متناسب است. هدف بازدارندگی اعم از عام و خاص مورد تأکید شعبه است، منتهی اعلام می‌نماید مجازات می‌بایست کافی^{۵۸} باشد تا مانع تکرار جرم از ناحیه شخص محکوم شود (بازدارندگی خاص) و همچنین اطمینان دهد اشخاصی که تمایل به ارتکاب جرایم مشابه دارند از چنین اعمالی منصرف شوند.^{۵۹}

مجازات متناسب برای اهداف سزادهی و بازدارندگی دارای نقش محوری است اما شعبه به تأثیر این عامل برای هر کدام از این اهداف نمی‌پردازد و تنها اعلام می‌نماید به‌منظور تعیین مجازات متناسب، شدت عمل ارتكابی می‌بایست در پرتو شرایط خاص پرونده ارزیابی شود و بر سه عامل شدت جرم، رفتار مجرم و شرایط شخصی او تأکید می‌نماید.^{۶۰} شعبه با در نظر گرفتن اهمیت مکان‌های تخریب‌شده، انگیزه‌های مذهبی در تخریب اماکن، شرکت و پشتیبانی از حملات اعلام نمود جرم المهدی از شدت قابل توجهی برخوردار است.^{۶۱} چنین نتیجه‌گیری را می‌توان در پرتو درجه تقصیر متهم، تمایل به بعد سزاگرایی مجازات دانست. شعبه به کارکرد اصلاحی مجازات اشاره می‌نماید^{۶۲} ولی از آنجاکه معتقد است نمی‌تواند به‌عنوان یک هدف اولیه در زمینه حقوق کیفری بین‌المللی در نظر گرفته شود ارزش قابل توجهی برای آن در نظر نمی‌گیرد و به تبیین چهارچوب‌های آن نمی‌پردازد. شعبه در بیان اهداف مجازات به مقدمه اساسنامه ارجاع می‌دهد و بر همین مبنا مجازات - متناسب را همچنین در ارتباط با صلح و سازش نیز مؤثر می‌داند. از این حیث می‌توان گفت شعبه تنها به یک بُعد از این موضوع اشاره نموده است و اعلام می‌نماید پذیرش مسئولیت از ناحیه متهم می‌تواند به صلح و سازش در شمال مالی کمک کند.^{۶۳}

57. Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi, judgement and sentence, 27 September 2016. Para 66.

58. Adequate

59. Ibid. para.67.

60. Ibid. paras.71-75.

61. Ibid. para. 81

62. Ibid. para.67.

63. Ibid. para.100.

با مصداقی که شعبه جهت تسهیل صلح و سازش ارائه می‌دهد یعنی پذیرش مسئولیت، می‌توان گفت منظور شعبه از مجازات متناسب در راستای این هدف مجازات است که کیفیات مخففه در آن اعلام شده است زیرا همان‌گونه که بیان گردید پذیرش تقصیر از ناحیه متهم در زمان تعیین مجازات به‌عنوان یکی از عوامل مخففه در نظر گرفته شد. هرچند شعبه اعلام نمود^{۶۴} چنین پذیرشی می‌تواند برای سایر اشخاص که در مالی و سایر مکان‌ها به چنین اعمالی تحریک شده‌اند، اثر بازدارندگی داشته باشد اما ارتباط پذیرش تقصیر از ناحیه متهم را با هدف بازدارندگی عام مشخص ننمود. ولی می‌توان گفت منظور از این عبارت نیز همان ارتباط مجازات با بازدارندگی است زیرا چنین تفسیری را شعبه در قسمت شرایط شخصی متهم جهت تعیین مجازات متناسب ارائه نموده است.

بنابراین از آنچه بیان گردید می‌توان گفت در این پرونده نیز شعبه با شناسایی اهداف مجازات بر پایه سزادهی و بازدارندگی بر اساس مقدمه اساسنامه دیوان و آنچه در اهمیت این اهداف بیان می‌نماید و اهمیت ناچیزی که برای هدف اصلاحی متهم در نظر می‌گیرد، رویکرد غالب همان اهداف سزادهی و بازدارندگی است. بر پایه همین واقعیات است که شریف بسیونی اعلام می‌نماید اهداف حقوق کیفری بین‌المللی مصداقی از اهداف حقوق کیفری ملی است و حقوق کیفری بین‌المللی فاقد یک متد حقوقی در این رابطه است.^{۶۵}

۱-۵-۴- پرونده ژین پی یر بمبا گمبو

در ۲۱ مارس ۲۰۱۶، شعبه دادرسی، متهم را بر مبنای مسئولیت فرمانده نظامی، بابت اتهام قتل عمد به‌عنوان مصداقی از جرایم علیه بشریت و جرم جنگی و تجاوز جنسی و غارت به‌عنوان مصداق جرم جنگی محکوم نمود.^{۶۶} در این پرونده نیز همانند سایر پرونده‌ها، شعبه سوم دادرسی دیوان با ارجاع به مقدمه اساسنامه، سزادهی و بازدارندگی را به‌عنوان اهداف اساسی و اولیه مجازات در دیوان اعلام نمود.^{۶۷} شعبه به اهداف اصلاحی از جمله بازاجتماعی نمودن متهم، توجه نمود ولی اهمیت زیادی برای آن در نظر نگرفت.^{۶۸} بدون تردید، شعبه بر

64. Ibid.

65. Cherif Bassiouni, *Introduction to International Criminal Law* (Ardley, New York: Translational Publishers, 2003), 588.

66. Decision on Sentence Pursuant to Article 76 of the Statute, Situation in the Central African Republic in the Case of *The Prosecutor V. Jean-Pierre Bemba Gombo*, T.ch III, No. icc-01/05-01/08, 21 June 2016, para.2.

67. Ibid. para.10.

68. Ibid. para.11.

این موضوع واقف است که اهداف اصلاحی برای شخصی که در رده فرماندهی نظامی قرار گرفته است، عملاً بی‌فایده خواهد بود. شعبه در تبیین عقیده خود، مجازات متناسب را هم برای هدف سزادهی و هم برای هدف بازدارندگی، مؤثر دانسته است. کارکرد بیانی رویکرد دیگر شعبه نسبت به اهداف مجازات است، جایی که اعلام می‌نماید، سزادهی انتقام نیست بلکه اعلام جامعه جهانی در محکومیت جرایم است.^{۶۹}

۲- رویکردهای نوین در دیوان (جبران خسارت)

در سیستم عدالت کیفری بین‌المللی، نظام جبران خسارت را می‌توان ویژگی منحصربه‌فرد دیوان دانست. در اساسنامه دیوان تلاش شده است تا نقش منفعل قربانی در سایر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی به یک نقش فعال تبدیل شود.

۲-۱- شناسایی حقوق بزه‌دیدگان در دیوان کیفری بین‌المللی

هدف از طرح این مسئله، پاسخ به این پرسش است که آیا جبران خسارت جزء اهداف مجازات است یا یک مکانیسم خاص و مستقل است.

۲-۱-۱- رویه قضایی بین‌المللی

موضوع جبران خسارت برای بزه‌دیدگان از ناحیه دیوان کیفری بین‌المللی، زمانی مطرح می‌گردد که رویه قضایی بین‌المللی سابقاً به این مسئله نپرداخته بود. محاکم نورنبرگ و توکیو و دادگاه‌های موردی یوگسلاوی و رواندا و حتی دادگاه‌های مختلط، اصولاً توجهی به وضعیت بزه‌دیدگان نداشتند. در «دادگاه نظامی بین‌المللی نورنبرگ» جنبه مجازات و سزادهی آن چنان غلبه داشت که سایر موضوعات حاشیه‌ای و بدون اهمیت قلمداد می‌شدند.

در «دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موردی یوگسلاوی سابق و رواندا»، نقشی بیشتر از شاهد برای بزه‌دیدگان تعریف نشد و بزه‌دیدگان به‌عنوان شهود در این دادگاه‌ها حاضر می‌شدند. در هفت سال نخستین (۱۹۹۳ تا ۲۰۰۰) که از تأسیس دادگاه یوگسلاوی می‌گذشت، تماسی با جوامع بازمانده بوسنی نداشت یعنی کسانی که دادگاه به خاطرشان ظاهراً به دادرسی نشسته بود، آسیب دیدگاه را برای شهادت احضار می‌کرد ولی

69. Ibid.

سودمندی‌شان به همین جا پایان می‌یافت.^{۷۰} بنابراین تا قبل از پذیرش اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جایگاه بزه‌دیدگان در سیستم عدالت کیفری بین‌المللی به‌عنوان شاهد شناخته می‌شد، رویکردی که با پذیرش اساسنامه نیز در برخی موارد، مورد استفاده قرار گرفت. به‌عنوان نمونه در پرونده کاتانگا شعبه به چهار قربانی اجازه داد به‌عنوان شاهد در محاکمه شرکت کنند.^{۷۱}

۲-۱-۲- طرح موضوع در کمیسیون حقوق بین‌الملل

با چنین پیش‌زمینه‌ای بود که در پیش‌نویس اصلی اساسنامه دیوان که در سال ۱۹۹۴ به‌وسیله «کمیسیون حقوق بین‌الملل» تدوین شد هیچ‌گونه بحثی راجع به جبران خسارت برای بزه‌دیدگان وجود نداشت. اعضای کمیسیون معتقد بودند که جبران خسارت مناسب‌تر است که در یک دعوای مدنی طرح شود تا کیفری و اجازه به دیوان برای بررسی جبران خسارت بزه‌دیدگان مغایر مأموریت دیوان یعنی تعقیب و مجازات بدون تأخیر مرتکبان جرایم است. با در نظر گرفتن همه جوانب کمیسیون به این نتیجه رسید که این موضوع بهتر است به صلاحیت‌های ملی واگذار شود.^{۷۲}

۲-۱-۳- کمیته مقدماتی^{۷۳}

کمیته مقدماتی (تدوین و جمع‌بندی پیشنهادهای^{۷۴}) برای تشکیل دیوان پیشنهادهای متنوعی درخصوص موضوع جبران خسارت برای بزه‌دیدگان ارائه نمود. نخستین پیشنهاد تحت عنوان غرامت برای بزه‌دیدگان که تقریباً تکرار قاعده ۱۰۶ از قواعد دادرسی و ادله دادگاه کیفری بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق^{۷۵} بود، بر این اساس، ثبات می‌بایست حکمی که بر اساس

۷۰. ارنا پریس، خورشید آهسته بالا می‌آید، عدالت در عصر امپراتوری آویکا، ترجمه سید خلیل خلیلیان (تهران:

انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰)، چاپ اول، ۳۴۲.

71. The Prosecutor v. Germain Katanga, Judgement Pursuant to Article 74 of the Statute, para.36.

72. Draft Statute of an International Criminal Court, Article 47 and Commentary, Yearbook of the International Law Commission, 1994, vol.II. part 2, undoc.A/49/10, p. 60, www.legal-tools.org/doc/20188es/.

73. Preparatory Committee

74. Compilation of Proposals

۷۵. قاعده ۱۰۶: الف - ثبات می‌بایست، حکم دادگاه را که متضمن مجرمیت متهم نسبت به جرمی که باعث آسیب به قربانی شده است به مقامات ذی‌صلاح دولت مربوطه ارائه دهد؛ ب - قربانی یا جانشینان وی، به استناد قوانین ملی مرتبط، می‌توانند نسبت به اقامه دعوی در دادگاه‌های ملی یا دیگر نهادهای ذی‌صلاح برای دریافت غرامت اقدام کنند.

آن مجرمیت متهم در خصوص جرمی که باعث خسارت به قربانی شده است به مقامات ذی‌صلاح دولت مربوطه ارسال نماید و بزه‌دیدگان یا جانشین آنها برای دریافت غرامت اقدام نمایند و در این خصوص حکم صادره از ناحیه دیوان می‌بایست برای صلاحیت‌های ملی هر دولت عضو لازم‌الاتباع باشد.^{۷۶} این پیشنهاد در عمل با اشکالات اساسی مواجه می‌گردد، نخست اینکه تجربه دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی سابق در بحث جبران خسارت از طریق محاکم ملی موفقیت‌آمیز نبود، زیرا در عمل جبران خسارت را در پی نداشت؛ دوم اینکه مکانیسم پیش‌بینی‌شده برای دولت‌های عضو بود؛ و سوم در رابطه با پذیرش هنجارهای حقوق بین‌المللی در نظام‌های ملی است که دیدگاه یکسانی در رابطه با آن وجود ندارد و بسیاری از کشورها در این رابطه معتقد به نظام دوآیستی^{۷۷} هستند و از طرف دیگر، مبنای الزام‌آور بودن حکم دیوان برای محاکم داخلی توسط کمیته مقدماتی مشخص نگردید.

پیشنهاد دوم که از ناحیه فرانسه مطرح شد مستقیماً این وظیفه را به دیوان محول می‌نمود تا صلاحیت رسیدگی بر اساس ضابطه پرداخت غرامت و استرداد اموال را داشته باشد و همچنین مقرر می‌داشت جایی که ضروری است دیوان می‌بایست نسبت به تعیین اصول مرتبط با پرداخت غرامت برای خسارات وارده به بزه‌دیدگان و استرداد اموالی که به‌صورت غیرقانونی از ناحیه محکوم‌علیه تحصیل شده است، اقدام نماید.^{۷۸} پیشنهاد فرانسه باعث ایجاد نگرانی‌هایی برای برخی از دولت‌ها شد که معتقد بودند صلاحیت دیوان برای صدور حکم پرداخت غرامت در خصوص جرایم مشمول صلاحیت دیوان می‌تواند دلالت بر مسئولیت دولت‌ها داشته باشد و درنهایت، حکم جبران خسارت علیه آنها صادر شود. به‌نحو گسترده‌ای این عقیده وجود داشت که ماده پیشنهادی برای جبران خسارت، سرپوشی^{۷۹} برای احکام جبران خسارت علیه دولت‌هاست.^{۸۰} علاوه بر این، نگرانی دیگری که همچنان وجود داشت،

76. Report of the Preparatory Committee on the Establishment of an International Criminal Court, vol. II (Compilation of Proposals), General Assembly Official Records, Fifty-first Session Supplement No. 22A, undoc A/51/22, 13 September 1996, p. 224, www.legal-tools.org/doc/03b284.

۷۷. نظام دوآیستی یا دوگانگی حقوقی، معتقد است نظام حقوق بین‌الملل و سیستم‌های ملی، دو ساختار مستقل و برابر است که دارای تفاوت‌هایی مبنایی و اساسی هستند و بر همین مبنای بدون پذیرش داخلی، هنجارهای حقوق بین‌الملل، قابلیت اعمال در حقوق داخلی را ندارند.

78. Ibid. 223.

79. Stalking Horse

80. Christopher Muttukumara, "Reparations to Victims," In *The International Criminal Court: The Making of the Rome Statute: Issues, Negotiations and Results*, ed. Roys Lee (The Hague: Kluwer Law International, 1999), 264.

این مسئله بود که ایجاد وظیفه‌ای دیگر برای دیوان، مانعی برای انجام وظیفه اصلی دیوان در تعقیب و مجازات مرتکبین جرایم مهم بین‌المللی است.

۲-۱-۴- کنفرانس دیپلماتیک رم

حمایت برخی از دولت‌های مهم از جمله انگلستان، آمریکا و ژاپن از طرح پیشنهادی فرانسه و همچنین برخی سازمان‌های غیردولتی در زمینه حقوق بزه‌دیدگان باعث شد این مسئله، جزء پیشنهادهای کمیته مقدماتی به کنفرانس رم باشد. در متن ارسالی به کنفرانس رم صراحتاً بیان گردید دیوان می‌تواند مستقیماً دستوری علیه شخص محکوم‌علیه برای یک شکل مناسب از جبران خسارت برای بزه‌دیدگان از جمله استرداد (اعاده وضع به حالت سابق)، پرداخت غرامت و توان‌بخشی صادر نماید.^{۸۱} مسئله مهم در کنفرانس رم این مطلب بود که آیا صلاحیت دیوان برای جبران خسارت از بزه‌دیدگان قابل‌تسری به دولت می‌باشد یا خیر؟ پیش‌نویس نهایی ارائه‌شده به کنفرانس مقرر می‌نمود دیوان می‌تواند دستور دهد که یک شکل مناسب از جبران خسارت از جمله استرداد، پرداخت غرامت و توان‌بخشی به‌وسیله یک دولت انجام شود در صورتی که محکوم‌علیه در ارتکاب جرم از طرف دولت و در یک سمت رسمی مرتکب جرم شده باشد.^{۸۲} این متن از حمایت برخی دولت‌ها برخوردار شد عمدتاً به‌خاطر اینکه در «اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان جرم و سوءاستفاده از قدرت (۱۹۸۵)» تصریح شده بود در صورتی که مقامات عمومی یا دیگر نهادهایی که در ظرفیت رسمی یا شبه‌رسمی اقدام می‌نمایند، قوانین کیفری ملی را نقض نمایند بزه‌دیده، می‌بایست توسط دولتی که مقامات یا ارگان‌های او به‌خاطر آسیب وارده مسئولیت دارند، جبران خسارت شود.^{۸۳} این پیشنهاد با مخالفت جدی دولت‌ها مواجه شد. دلیل اصلی آنها به فلسفه دیوان کیفری بین‌المللی - که همان تعقیب و مجازات مرتکبان جرایم مهم بین‌المللی بود - مربوط می‌شد و به‌نظر آنها اگر حکم جبران خسارت علیه دولت‌ها صادر شود، رژیم جبران خسارت مبتنی بر اصل مسئولیت دولت‌ها قرار می‌گیرد. به عقیده مخالفان این پیشنهاد، رژیم جبران خسارت علیه دولت‌ها، مغایر چهارچوب اساسی دیوان خواهد بود و در صورت پذیرش در مقررات مربوط به صلاحیت و

81. United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court, Draft Statute of an International Criminal Court, Article 73(2)(a), in Report of the Preparatory Committee on the Establishment of an International Criminal Court, Draft Statute and Final Act, undoc, A/conF.183/2/Add.1, 14 April 1998, p.117, www.legal-tools.org/doc/816405/.

82. Ibid.

83. Victims Declaration, article.11.

قابلیت پذیرش می‌بایست بازنگری اساسی صورت پذیرد.^{۸۴} در پاسخ به این وضعیت، فرانسه و انگلستان یک پیشنهاد مشترک ارائه دادند که در آن دستور علیه دولت حذف شد^{۸۵} و سرانجام همین پیشنهاد در ماده ۷۵^{۸۶} اساسنامه دیوان به تصویب رسید.

۲-۲- رویکردهای متمایز در جبران خسارت

رژیم جبران خسارت در اساسنامه دیوان، دربرگیرنده دو رویکرد متمایز است. از یک طرف، بیان‌کننده صلاحیت دیوان برای صدور حکم جبران خسارت برای بزه‌دیدگان جرایمی است که در محدوده صلاحیتی دیوان قرار دارند. از سوی دیگر، ظرفیت صندوق امانی برای حمایت از بزه‌دیدگان و خارج از چهارچوب حکم جبران خسارت دیوان است. هرچند صندوق امانی ظاهراً در چهارچوب دیوان کیفری بین‌المللی شکل گرفته است ولی دارای شخصیت حقوقی مستقل است و درخصوص اقدامات حمایتی خود برای بزه‌دیدگان خارج از احکام جبران خسارت علیه بزه‌دیدگان کاملاً به شکل مستقل عمل می‌نماید.

بر اساس بند ۲ ماده ۷۵ اساسنامه، حکم جبران خسارت علیه محکوم‌علیه صادر می‌شود و

84. Muttukumaru, op.cit. 268.

85. United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court, Article 73, Reparations to Victims: Proposal Submitted by the Delegations of France and the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland, in doc. A/Conf.183/c.1/WGPM/L-28,26 June 1998, www.legal-tools.org/doc/eba97a/.

۸۶. ماده ۷۵: ۱- دیوان راجعه جبران خسارت بزه‌دیدگان یا در ارتباط با آنان قواعدی کلی ازجمله استرداد، غرامت و اعاده وضع به حال سابق را مقرر خواهد کرد. بر این اساس، دیوان در رأی خود می‌تواند بنا به درخواست ذی‌نفع و یا در شرایط خاصی رأساً، حدود و میزان هر نوع آسیب، نقص و یا لطماتی که به بزه‌دیدگان و یا در ارتباط با آنان آمده را معین نماید و قواعد کلی را که بر پایه آنها عمل می‌نماید، بیان خواهد کرد؛ ۲- دیوان می‌تواند مستقیماً دستوری علیه محکوم‌علیه صادر نموده و نحوه مناسب جبران خسارت بزه‌دیدگان و یا در ارتباط با آنان را ازجمله استرداد، غرامت و یا اعاده وضع به حال سابق معین نماید. دیوان می‌تواند درصورت اقتضاء دستور دهد که پرداخت‌های مربوط به جبران خسارت از طریق صندوق امانی موضوع ماده ۷۹ صورت گیرد؛ ۳- دیوان می‌تواند قبل از اتخاذ هرگونه تصمیمی برطبق این ماده از محکوم‌علیه، بزه‌دیدگان و سایر اشخاص و یا دولت‌های ذی‌نفع دعوت کرده و اظهارات آنها و یا نمایندگانشان را استماع نماید؛ ۴- پس از محکومیت شخص به‌لحاظ ارتکاب یکی از جرایم مذکور در این اساسنامه، دیوان می‌تواند درجهت اعمال اختیارات مذکور در این ماده و به‌منظور ترتیب اثر بخشیدن به دستور صادره تصمیم بگیرد که آیا اتخاذ تدابیر دیگر موضوع بند ۱ ماده ۹۳ این اساسنامه ضرورت دارد یا خیر؛ ۵- یک دولت عضو به تصمیم متخذه بر اساس این ماده همان اثری را مترتب خواهد کرد که درصورت جاری بودن مقررات ماده ۱۰۹ بر این ماده قائل است؛ ۶- هیچ‌یک از موارد مذکور در این ماده نباید به‌گونه‌ای تفسیر شود که به حقوق مجنی‌علیه که در حقوق داخلی و یا بین‌المللی مقرر شده است، لطمه‌ای وارد سازد.

در صورت اقتضاء، دیوان دستور می‌دهد که پرداخت‌های مربوط به جبران خسارت از طریق صندوق امانی پرداخت شود. این اختیار دیوان، یعنی استفاده از صندوق امانی جهت اجرای احکام جبران خسارت در ماده ۹۸ از قواعد دادرسی و ادله بیان شده است. بر اساس بند ۲ این ماده، دیوان می‌تواند دستور دهد که حکم جبران خسارت علیه محکوم‌علیه در حالتی که در زمان صدور دستور، دادن حکم شخصی مستقیم برای هر یک از بزه‌دیدگان غیرممکن یا غیرقابل اجراست، به صندوق امانی سپرده شود، سپس حکم جبران خسارت سپرده‌شده از سایر منابع صندوق امانی جدا می‌شود و در اولین فرصت ممکن برای بزه‌دیدگان فرستاده می‌شود و در بند ۳ همین ماده تصریح شده است، دیوان می‌تواند دستور دهد که حکم جبران خسارت علیه محکوم‌علیه، در صورتی که تعداد بزه‌دیدگان و دامنه، اشکال و روش‌های جبران خسارت با حکم جمعی مناسب‌تر باشد، از طریق صندوق امانی صورت گیرد. بند ۵ این ماده در خصوص سایر منابع صندوق امانی برای استفاده بزه‌دیدگان است. قواعد صندوق امانی^{۸۷}، به تعریف سایر منابع پرداخته است. به موجب قاعده ۴۷ صندوق امانی، از نظر مقررات حاضر، سایر منابع ذکر شده در پاراگراف ۵ ماده ۹۸ از قواعد دادرسی و ادله اشاره به منابعی غیر از منابع جمع‌آوری شده به‌خاطر احکام جبران خسارت، جریمه‌ها و اموال توقیف‌شده دارد و بر اساس ماده ۴۸ همین قواعد، دیگر منابع صندوق می‌بایست به نفع بزه‌دیدگان جرایم تعریف‌شده در قاعده ۸۵ از قواعد دادرسی و ادله استفاده شود و جایی که اشخاص حقیقی و خانواده آنها ذی‌نفع هستند کسانی که متحمل آسیب‌های جسمی و روانی یا آسیب روحی در نتیجه ارتکاب این جرایم شده‌اند؛ بنابراین می‌توان گفت صندوق یک وظیفه دوجبهی دارد: الف) اجرای احکام جبران خسارت دیوان؛ ب) مقرر نمودن حمایت‌های مادی و روحی برای بزه‌دیدگان و خانواده آنها^{۸۸} فراتر و مجزاً از بحث اجرای احکام دیوان.

اظهار نظر شعبه تجدیدنظر دیوان در پرونده جبران خسارت توماس لوبانگا نیز مؤید چنین تفکیکی است. به اعتقاد شعبه تجدیدنظر، نخستین مأموریت صندوق امانی یعنی کمک به بزه‌دیدگان جرایم در محدوده صلاحیت دیوان مشروط به حکم دیوان نیست، بلکه اجرای آن صرفاً از طریق منابع دیگر است^{۸۹} که عمدتاً از طریق مشارکت‌های داوطلبانه به‌دست می‌آید.

87. Regulations of the Trust Fund for Victims, Resolution ICC-ASP/4/Res3 Adopted at the 4th Plenary Meeting on 3 December 2005.

88. "Making Reparative Justice, a Reality for Victims," Trust Fund for Victims, Last Accessed October 5, 2019, www.trustfundforvictims.org.

۸۹. نک: پاراگراف ۵ ماده ۹۸ از قواعد دادرسی و ادله.

کلمه May در ماده ۹۸(۵) از قواعد دادرسی و ادله^{۹۰} بدین معناست که یک تصمیم برای استفاده از دیگر منابع اختیاری و مبتنی بر صلاحدید است نه اجباری و در رابطه با اینکه چه کسی تصمیم می‌گیرد که از دیگر منابع استفاده شود، شعبه بر این اعتقاد است که عبارت‌پردازی مواد ۵۰ و ۵۶ از قواعد صندوق امانی، وضعیت آن را مشخص نموده است که به‌وسیله تصمیم هیئت‌مدیره صندوق امانی است نه دیوان. شعبه تجدیدنظر به این نتیجه رسید که شعبه بدوی مرتکب اشتباه شده است که فرض نموده است بر منابع صندوق اختیار دارد و اینکه سایر منابع برای اجرای احکام جبران خسارت دیوان به کار رود، در صلاحیت انحصاری هیئت‌مدیره صندوق است^{۹۱}؛ بنابراین در چهارچوب نظام حقوقی دیوان حمایت از قربانی و جبران خسارت همواره در پرتو رأی محکومیت کیفری نیست.

۲-۱-۲- عدالت ترمیمی در دیوان

آیا می‌توان نظام جبران خسارت دیوان را منطبق با عدالت ترمیمی در نظام‌های حقوقی داخلی دانست؟ انتقادهای مطرح‌شده نسبت به سیستم عدالت کیفری کلاسیک و عدم‌توفیق در دستیابی کامل به اهداف، زمینه‌های بروز اندیشه عدالت ترمیمی را از نیمه دوم قرن بیستم پدید آورد. در این دیدگاه، عمل مجرمانه، تنها در رابطه بین مجرم و دولت بررسی نمی‌شود، بلکه وقوع جرم رابطه بین دولت، مجرم و زیان‌دیده را مختل می‌سازد؛ بنابراین برخلاف عدالت کلاسیک که زیان‌دیده دارای یک نقش منفعل است، در این دیدگاه، نقش فعال و سازنده‌ای برای او تعریف می‌شود. رویکرد ترمیمی ریشه در مذاهب و فرهنگ‌های ملل مختلف دارد ولی از نظر پذیرش و اعمال آن عقیده واحدی نسبت به آن وجود ندارد. عدالت ترمیمی اغلب به‌عنوان جایگزینی برای شیوه سنتی واکنش نسبت به جرم و مجازات مجرمین توصیف می‌شود. هرچند استدلال‌های مخالفی نیز بیان شده است و گفته می‌شود تنها جایگزین شکلی از مجازات است.^{۹۲} در مکانیسم عدالت ترمیمی تلاش می‌شود تا به شیوه‌های مختلف از بزه‌دیده، جبران خسارت شود و رابطه وی با بزه‌کار، به مرحله قبل از وقوع عمل

90. Rule 98(5): Other resources of the Trust Fund may be used for the benefit of victims subject to the provisions of article 79.

91. Situation in the Democratic Republic on the Congo in the case of the Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, on the appeals against the "Decision establishing the principles and procedures to be applied to reparations" of 7 August 2012 with Amended order for reparations (Annex A) and public annexes 1 and 2, A.CH, No.ICC-01/04-01/06 AA2A3, 3 March 2015, paras.108-111 and 114.

92. Margarita Zernova, *Restorative Justice, Ideals and Realities* (United Kingdom (Bodmin, Cornwall): Asghate Publishing, 2007), 62.

مجرمانه بازگردد و زندگی و روابط اجتماعی مانند سابق، بین آنها برقرار شود؛ بنابراین بزه‌دیده، مشارکت فعالی در دادرسی کیفری دارد.

اساسنامه دیوان و سایر قواعد مرتبط به مفهوم عدالت ترمیمی اشاره‌ای ننموده‌اند. شیوه‌ها و مصادیق عدالت ترمیمی در نظام‌های ملی نیز قابل تطبیق با مکانیسم‌های دیوان کیفری بین‌المللی نیست بلکه تنها وجه مشترک را می‌توان تلاش برای برخی اقدامات جبرانی محدود برای بزه‌دیدگان، در نظر گرفت. به‌عنوان نمونه رئیس پیشین دیوان، سانگ هان سونگ، در سخنرانی خود خطاب به اعضای هیئت‌مدیره صندوق امانی از عبارت عدالت تغییردهنده^{۹۳} به‌عنوان یکی از مفاهیم عدالت ترمیمی استفاده و اعلام نمود بهترین شیوه، رویکرد دگرگون‌کننده ساختاری برای کمک به بزه‌دیدگان، می‌تواند در واقع جوامعی که وضعیت اقتصادی و اجتماعی آنها تحت تأثیر قرار گرفته است، بهبود بخشد، یعنی وضعیتی که بزه‌دیدگان خودشان را در دوره قبل از وقوع جرمی که به آنها آسیب وارد نموده است، احساس کنند.^{۹۴} دیوان، در گزارش ۲۰۱۲ خود در رابطه با استراتژی بزه‌دیدگان، معتقد است: با الحاق حقوق بزه‌دیدگان برای شرکت در محاکمه و دریافت غرامت، اساسنامه رم یک وظیفه عدالت ترمیمی را به مأموریت عدالت سزاگرایانه سنتی دیوان‌های کیفری بین‌المللی اضافه نمود.^{۹۵} شعبه اول دادرسی دیوان نیز در این رابطه اعلام نموده است؛ اساسنامه و قواعد دادرسی و ادله سیستم جبران خسارتی را ایجاد نموده است که یک شناسایی فزاینده را در حقوق کیفری بین‌المللی منعکس می‌نماید مبنی بر اینکه یک ضرورت وجود دارد که فراتر از مفهوم عدالت تنبیهی، به سمت یک راه‌حل جامع که شرکت بزه‌دیدگان را در دادرسی تشویق می‌نماید و نیازهای آنها را برای یک جبران خسارت مؤثر به رسمیت می‌شناسد، حرکت نماییم. شعبه، ضمن تصدیق اظهارنظر شعبه پیش‌دادرسی دیوان، همچنین اعلام نموده است، طرح جبران خسارت که در اساسنامه مقرر شده است، تنها یکی از ویژگی‌های منحصر به فرد اساسنامه نیست بلکه همچنین ویژگی اساسی آن است. از نظر شعبه، موفقیت دیوان تا حدودی، در ارتباط با موفقیت سیستم جبران خسارت آن قرار دارد.^{۹۶}

93. Transformative Justice

94. Sang-H Yung Song, "Speech Remarks to the Board of Directors of Trust Fund for Victims," 18 March 2014, www.trustfundforvictims/sites/default/files/Media-library/documents/pdf/140318-ICC-President-Remarks-to-11th-Board-of-Directors-Meeting-for-web-1-pdf.

95. Report of the Court on the Revised Strategy in Relation to Victim; Past, Present and Future, ICC-ASP/11/40, 5 November 2012, para. 34.

96. The Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, Decision Establishing the Principles and Procedures to be Applied to Reparations, T.ChI, No. ICC-01/04-01/06, 7 August 2012,

شعبه دادرسی دیوان نیز در تصمیم خود درخصوص ایجاد اصول و رویه‌های قابل‌اعمال برای جبران خسارت در پرونده توماس لوبانگا دیلو به این مفهوم اشاره و اعلام نمود، شیوه‌های جبران خسارت مندرج در ماده ۵۷ اساسنامه انحصاری نیستند و دیگر شیوه‌های جبران خسارت که دارای ارزش بازدارنده و متحول‌کننده [نسبت به بزه‌دیدگان] هستند، می‌توانند مناسب باشند، از جمله شعبه، اظهار داشت برنامه‌هایی که دارای اهداف متحول‌کننده هستند، می‌توانند از قربانی شدن در آینده جلوگیری کنند.^{۹۷} در این راستا صندوق امانی اقدامات مساعدتی خود را در چهارچوب‌های حمایت مادی و معنوی از سال‌ها پیش در کشورهای آفریقایی آغاز نموده است. یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اجراشده از ناحیه صندوق را می‌توان اقدام به ترویج صلح و سازش در میان اعضای جوامع از طریق هیئت‌های اعزامی به آفریقا از طریق دوره‌های آموزش صلح در برنامه مدرسه صلح دانست، به‌عنوان مثال در این دوره‌ها در مدارس ابتدایی و راهنمایی منطقه اتیوپی، شمال و جنوب کیوو ۲۲۵۰ محصل و دانش‌آموز در دوره‌های آموزش صلح شرکت کردند و پیام آن را به دوستان، والدین و هم‌قطاران خود اعلام کردند.^{۹۸} چنین اقداماتی از ناحیه صندوق می‌تواند دارای آثار دیرپا و مهمی در پیشگیری از وقوع جنگ و تحمل‌پذیری افراد نسبت به یکدیگر داشته باشد.

۲-۲-۲- جبران خسارت از طریق صندوق امانی

شعبه دادرسی، برای پیوند موضوع با صندوق امانی از قواعد حاکم بر تفسیر معاهدات استفاده و اعلام نمود: «واژه از طریق، در عبارت جبران خسارت از طریق صندوق امانی، می‌بایست در معنای عادی و معمولی آن به‌کار برد یعنی؛ به‌وسیله؛ از رهگذر^{۹۹}؛ بنابراین زمانی که بند ۲ ماده ۷۵ اساسنامه مقرر می‌دارد که یک حکم جبران خسارت می‌تواند از طریق صندوق امانی صادر شود، دیوان می‌تواند از امکانات مالی و پشتیبانی صندوق امانی جهت اجرای حکم کمک بگیرد.^{۱۰۰} در رابطه با نتیجه‌گیری شعبه درخصوص جبران خسارت به‌نظر می‌رسد، دو مسئله اساسی نادیده گرفته شده است: نخست اینکه، عبارت‌پردازی ماده ۷۵ اساسنامه و ماده ۹۷ از قواعد دادرسی و ادله است که حکایت از جبران خسارت مادی در وهله اول و در مرتبه

paras.177-178.

97. Decision Establishing the Principles and Procedures to be Applied to Reparations, op.cit, paras.222, 236.

98. Trust Fund for Victims, Programme Progress Report 2015, p.21.

99. Through

100. Ibid. paras. 269-270.

بعد جبران‌های معنوی و توان‌بخشی دارد که به بازسازی روحی اشخاص زیان‌دیده کمک می‌کند؛ دوم اینکه، به فرض عدم‌توانایی مالی محکوم‌علیه جهت اجرای حکم این واقعیت از نظر حقوقی، به‌ویژه اصول حاکم بر مسئولیت مدنی رافع مسئولیت حقوقی او نیست. به عبارت دیگر مرحله صدور حکم با مرحله ادعای اعسار دو مرحله متفاوت هستند که هرکدام دارای ادله اثباتی و آثار حقوقی خاص خود هستند؛ سوم اینکه، صندوق امانی دارای شخصیت حقوقی مستقل از دیوان است و در بادی امر نمی‌توان نقش محکوم‌علیه و صندوق امانی را به عذر عدم‌توانایی مالی محکوم‌علیه به شکلی معکوس در نظر گرفت.

در اعتراض به رأی شعبه، استدلال نماینده بزه‌دیدگان (vo1) این بود که شعبه دادرسی، مرتکب اشتباه قانونی شده است که لوبانگا را به جبران خسارت محکوم نکرده است. صندوق امانی نیز ملاحظاتی بر این رأی داشت و معتقد بود که حکم جبران خسارت می‌بایست صرف‌نظر از وضعیت مالی محکوم‌علیه، صادر شود. صندوق امانی اعلام نمود که نسخه فرانسوی ماده ۷۵(۲) این موضوع را روشن می‌سازد که صندوق در اجرای حکم جبران خسارت تنها نقش یک واسطه^{۱۰۱} [میانجی] را ایفاء می‌نماید و یک حکم نمی‌تواند بدون محکوم‌علیه باشد زیرا پرونده‌ای که شخص در آن تبرئه شده است یا فرایند دادرسی بدون محکومیت، خاتمه یافته است، جبران خسارت را تجویز نمی‌نماید.^{۱۰۲}

اما شعبه تجدیدنظر با رویکردی متفاوت نسبت به شعبه دادرسی، اعلام نمود مجرمین، مسئول اعمال خود هستند و این اصل به‌درستی سیستم جبران خسارت را در دیوان منعکس می‌سازد. از نظر شعبه، چهارچوب حقوقی دیوان، قویاً حکایت از این دارد که احکام جبران خسارت اصالتاً در ارتباط با اشخاصی است که مسئولیت کیفری آنها در نتیجه حکم محکومیت محرز است. دیوان برای تقویت استدلال خود به سابقه موضوع در کمیته مقدماتی^{۱۰۳} اشاره می‌نماید و به‌نوعی از وسایل تکمیلی تفسیر موضوع ماده ۳۲ عهدنامه ۱۹۶۹ وین در خصوص معاهدات بهره‌جسته است، جایی که در تفسیر عناوین به‌کار گرفته‌شده در کمیته مقدماتی اعلام شده است برای تعریف بزه‌دیده و جبران خسارت می‌توان به «اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان جرم و سوءاستفاده از قدرت» ارجاع نمود. این اعلامیه نیز مسئولیت مجرمین یا اشخاص ثالث را به‌خاطر اعمال آنها از حیث جبران خسارت برای بزه‌دیدگان

101. Intermediary Role

102. Ibid. paras. 61, 62, 63.

103. Zutphen Draft of the Preparatory

به رسمیت شناخته شده است.^{۱۰۴} البته در کنار استدلال شعبه تجدیدنظر باید گفت بر اساس ماده ۹۸ از قواعد دادرسی و ادله دیوان نیز حکم جبران خسارت می‌بایست علیه محکوم‌علیه صادر شود و بند ۴ ماده ۸۲ اساسنامه نیز دلالت بر همین مفهوم دارد. به موجب بند ۴ ماده ۸۲ اساسنامه، نماینده قانونی بزه‌دیدگان، محکوم‌علیه و یا مالک با حسن نیت اموال که از تصمیم متخذ به موجب ماده ۷۵ متضرر شده‌اند، می‌توانند مطابق مقررات مذکور در قواعد آیین دادرسی و ادله نسبت به تصمیم مربوط به جبران خسارت تجدیدنظرخواهی نمایند.

از نظر شعبه تجدیدنظر درحالی که به نظر می‌رسد شعبه بدوی عبارت «از طریق صندوق امانی» را به عنوان جایگزین «علیه شخص محکوم» با توجه به شرایط خاص مالی و تهیدستی لوبانگا تفسیر نموده باشد اما این تفسیر متقاعدکننده نیست. نخست از نظر شعبه تجدیدنظر صدور یک دستور برای جبران خسارت علیه شخص محکوم و اقدام از طریق صندوق امانی، مفاهیم متناقضی نیستند. برعکس شعبه تجدیدنظر به این نتیجه رسید که حتی اگر جبران خسارت از طریق صندوق امانی مطابق جمله دوم ماده ۷۵ (۲) اساسنامه مورد دستور واقع شود، شعبه بدوی می‌بایست دستور را مستقیماً علیه شخص محکوم صادر نماید.^{۱۰۵} در نهایت، شعبه تجدیدنظر اعلام نمود که شعبه بدوی به خاطر اینکه حکم جبران خسارت را علیه لوبانگا صادر نکرده است، مرتکب اشتباه شده است و بر اساس ضمیمه A این قسمت از رأی را اصلاح نمود.^{۱۰۶}

۲-۲-۳- ارزیابی نظام حاکم بر جبران خسارت دیوان کیفری بین‌المللی

با وجود اینکه حقوق بزه‌دیدگان جرایم مهم بین‌المللی برای جبران خسارت در سیستم فعلی عدالت کیفری بین‌المللی به‌ویژه در پرتو اساسنامه و قواعد دادرسی و ادله دیوان کیفری بین‌المللی، امری مسلم و تثبیت شده است اما کارایی آن محل تردید جدی است. در بادی امر، کارکرد ترمیمی دیوان با رسالت اصلی آن که همان تعقیب و مجازات مرتکبین جرایم مهم بین‌المللی است، قدری متعارض می‌نماید. در ارتباط با موضوع جبران خسارت برخی از نظریه‌پردازان معتقد هستند دیوان کیفری بین‌المللی یک نهاد سزادهنده است و در ارتباط با

104. Ibid. paras.65-66.

105. Ibid. para 70.

106. Judgment on the Appeals against the “Decision Establishing the Principles and Procedures to be Applied to Reparations” of 7 August 2012 with AMENDED order for reparations (Annex A) and Public Annexes 1 and 2, A.ch. No. Icc-01/04-01/06 A A 2 A 3, 3 March 2015.

تعقیب و مجازات اشخاصی است که بیشترین مسئولیت را به‌خاطر جرایم بین‌المللی دارند.^{۱۰۷} عده‌ای نیز اصولاً مکانیسم‌های قضایی و از جمله دیوان را شایسته رسیدگی به موضوع جبران خسارت نمی‌دانند و اعلام می‌نمایند که مکانیسم‌های غیرقضایی مانند کمیسیون‌های سازش و حقیقت‌یاب نیاز دارند تا فرایندهای قضایی را تکمیل کنند، چنین کمیسیون‌هایی بهتر می‌توانند به بررسی دغدغه‌ها و نیازهای بزهدیدگان بپردازند و برخلاف الگوی کیفری، تمرکز آنها بر آسیب‌هایی است که اشخاص قربانی متحمل شده‌اند.^{۱۰۸}

جبران خسارت هرچند در اساسنامه دیوان پیش‌بینی شده است ولی از اهداف اصلی و اولویت‌های کاری دیوان محسوب نمی‌گردد. دیوان در وهله اول باید به تعقیب و مجازات مرتکبین جرایم بپردازد و در مرحله بعد و در صورت احراز مسئولیت کیفری و محکومیت متهم، نسبت به جبران خسارت تعیین تکلیف نماید. علی‌رغم شناسایی و تثبیت حقوق بزهدیدگان در اساسنامه دیوان، تحت تأثیر جایگاه سنتی بزهدیدگان در فرایندهای دادرسی کیفری بین‌المللی و نقش منفعل آنها، هنوز در برخی موارد، این جایگاه در اساسنامه دیوان نیز خودنمایی می‌کند و نقش آنها به‌عنوان شاهد و همچنین شرکت‌کننده (نه طرف دعوی) همچنان در دیوان محفوظ باقی مانده است، به‌نحوی که برخلاف حقوق داخلی، بزهدیدگان هنوز نمی‌توانند آغازگر فرایند دادرسی کیفری بین‌المللی باشند؛ بنابراین باتوجه به این موارد، به‌ویژه تمرکز دیوان بر تعقیب جرایم مهم بین‌المللی، می‌توان همچنان یک نقش فرعی و در اولویت دوم، برای بزهدیدگان ترسیم نمود.

نظام طراحی‌شده در اساسنامه برای جبران خسارت دربرگیرنده یک فرایند طولانی است. کریستین فان دن گائرت، قاضی دیوان، خاطرنشان نموده است، ساعت‌ها وقت برای تصمیم‌گیری درخصوص وضعیت صدها نفر قربانی - و در آینده شاید هزاران نفر از خواهان‌ها - صرف می‌شود و یک مسئولیت اضافه‌ای بر طرفین تحمیل نموده و هزینه‌های مربوطه را افزایش می‌دهد. او معتقد است زمانی که شعب در رابطه با موضوعات مرتبط با بزهدیدگان اختصاص می‌دهند، قابل توجه است و در مقام مقایسه تجربه خود به‌عنوان قاضی دیوان کیفری بین‌المللی و دادگاه کیفری بین‌المللی یوگسلاوی اعلام می‌نماید، مقدار زیادی وقت در دیوان صرف موضوعات مرتبط با بزهدیدگان می‌شود که آشکارا بر طولانی شدن فرایند

107. Luke Moffett, "Elaborating Justice for Victims at the International Criminal Court, Beyond Rhetoric and Hague," *Journal of International Criminal Justice* 13(2) (2015): 30.

108. McGonigle Leyh Brienne, "Victim-Oriented Measures at the International Criminal Institutions: Participation and its Pitfalls," *International Law Review* 12 (2012): 407.

دادرسی تأثیر دارد^{۱۰۹}؛ اما چنین فرایند دادرسی معمولاً نتیجه‌بخش نیست. از حیث تاریخی، اشخاص محکوم همواره ادعای فقر و تنگدستی داشته‌اند. در اولین رأی صادره از ناحیه دیوان در پرونده لوبانگا دیلو، نیز چنین ادعایی مطرح شد و عملاً اقدامات جبرانی به صندوق امانی محول شد. در پرونده جرمن کاتانگا نیز با این استدلال که متهم در زمان ارتکاب جرم دانشجو بوده و همچنین استناد به بازداشت وی، ادعای فقر و تهی‌دستی مطرح شد.^{۱۱۰} شعبه دوم دادرسی نیز علی‌رغم صدور حکم مبنی بر محکومیت جرمن کاتانگا به جبران خسارت، یعنی پرداخت ۲۵۰ دلار آمریکا به صورت نمادین به ۲۹۷ بزه‌دیده و جبران خسارت‌های جمعی از طریق خانه‌سازی و فعالیت‌های آموزشی، فعالیت‌های کارآفرینی و حمایت‌های روان‌شناختی، اما در ارزیابی نهایی، فقر و تهی‌دستی کاتانگا را محرز دانست^{۱۱۱}؛ و در این پرونده نیز موضوع جبران خسارت به صندوق امانی محول گردید. با این وصف به نظر می‌رسد در این رابطه با یک فرایند دادرسی عقیم مواجه هستیم.

صندوق امانی دارای شخصیت حقوقی مستقل از دیوان است، هرچند در چهارچوب اساسنامه دیوان طراحی شده است ولی از آنجاکه سمت‌وسوی احکام جبران خسارت به سمت جبران خسارت‌های جمعی^{۱۱۲} از نوع اقدامات توان‌بخشی است، صرف‌نظر از احکام جبران خسارت دیوان که عملاً از ناحیه محکوم‌علیه قابلیت اجرایی ندارد، صندوق امانی این قابلیت و اختیار را دارد که در پرتو سایر منابع خود و تصویب هیئت‌مدیره، چنین اقدامات توان‌بخشی را به صورت مستقل و بدون هرگونه حکم جبران خسارت انجام دهد، کما اینکه از سال‌ها قبل از صدور حکم دیوان چنین اقداماتی را در کشورهایی مانند اوگاندا و کنگو آغاز نموده است؛ بنابراین همان‌گونه که ویلیام شبت اعلام نموده است، مفهوم جبران خسارت بین‌المللی،

109. Wyngaert Hon Christine Van den, "Victims Before International Criminal Courts: Some Views and Concerns of an iCC Trial Judge," *Case Western Reserve Journal of International Law* 44 (2011): 493-4.

110. *Situation in the Democratic Republic of Congo, the Case of the Prosecutor V. Germain Katanga, T.ch II*, No. ICC-01/04-01/07, 14 May 2015, para 72.

111. Order for Reparations Pursuant to Article 75 of the Statute with one Public Annex (Annex I) and One Confidential Annex *ex parte*, Common Legal Representative of the Victims, Office of Public Counsel for Victims and Defence team for Germain Katanga, T.ch II, (Annex II), No. ICC-01/04-01/07, 24 March 2017, page, 118.

۱۱۲. از آنجاکه بزه‌دیدگان جرایم مهم بین‌المللی، نوعاً گروهی از اشخاص هستند که به دلایل مشترک فرهنگی، مذهبی، اجتماعی و ... متحمل آسیب‌هایی شده‌اند. مکانیسم جبران خسارت جمعی که مجموعه گروه از آن منتفع می‌شود، بهتر می‌تواند به جبران خسارت از آنها و بازسازی زندگی اجتماعی آنها اقدام نماید. در جبران خسارت جمعی، معمولاً با بزه‌دیدگان غیرمستقیم مواجه هستیم ولی در جبران خسارت فردی، تأکید بر بزه‌دیده مستقیم است.

فریبنده و گمراه‌کننده است، زیرا با موانع و عوامل متعددی روبه‌روست، تجربه دادگاه‌های موردی نشان می‌دهد که تعداد زیادی از متهمین ادعای فقر و عدم امکان پرداخت هزینه‌های دفاع را داشته‌اند و در این راه موفق بوده‌اند و جنبه طنزآمیز آن است که این اشخاص، دقیقاً همان کسانی هستند که به‌نحو گسترده‌ای تصور می‌کردند کشورهایی را که زمانی محل حکمرانی آنان بوده است، غارت نموده‌اند بنابراین آشکارا غیرواقعی است که انتظار داشته باشیم دیوان قادر به تعیین و توقیف اموال اساسی زندانیان باشد.^{۱۱۳} با این اوصاف به‌نظر می‌رسد سپردن این مسئله به صندوق امانی و در نظر گرفتن یک نقش شبه‌قضایی برای آن، به‌ویژه آنکه اقدامات صندوق می‌تواند منطبق با مفاهیم عدالت ترمیمی باشد، کارایی آن به مراتب مفیدتر از نظام جبران خسارت دیوان باشد، ضمن آنکه صندوق امانی با محدودیت‌های خاص احکام دیوان از حیث احراز مسئولیت کیفری و محکومیت مواجه نیست. از طرف دیگر در پرتو موانع صلاحیتی و قابلیت پذیرش عملاً طیف گسترده‌ای از بزه‌دیدگان به‌لحاظ عدم تعقیب متهمین به نظام جبران خسارت دیوان دسترسی ندارند درحالی‌که به‌نظر می‌رسد صندوق امانی با چنین محدودیتی روبه‌رو نیست. آنچه مسلم است اینکه سازکار حمایت از بزه‌دیدگان در دیوان کاملاً متفاوت از سایر محاکم کیفری بین‌المللی است، دلیل چنین وضعیتی در وهله نخست، تحولات این مسئله در طول زمان و به‌ویژه حمایت دکتین است، به‌عنوان نمونه، شریف بسیونی یکی از اهداف ارزش‌محور اساسی حقوق کیفری بین‌المللی را جبران خسارت از قربانیان می‌داند.^{۱۱۴} در مرتبه بعد، شناسایی حقوق بزه‌دیدگان در اساسنامه دیوان و قواعد دادرسی و ادله است. از سوی دیگر می‌توان جبران خسارت از بزه‌دیده را در پیوند با اهداف بیان‌شده در مقدمه اساسنامه رم که همان صلح و عدالت بین‌المللی است، دانست. درنهایت باید گفت، جبران خسارت از اهداف مجازات در دیوان محسوب نمی‌شود، بلکه می‌تواند در برخی موارد به‌عنوان آثار مجازات قلمداد شود.

نتیجه

هرچند سیستم عدالت کیفری بین‌المللی در آغاز، فاقد متد خاصی در رابطه با اهداف مجازات بوده است اما در پرتو واقعیات، این سیستم تلاش شده است تا یک رویکرد تلفیقی از اهداف مجازات را شاهد باشیم. چنین رویکردی در دو شیوه عام و خاص قابل تحقق است. در شیوه

113. Mria William A. Schabas, *An Introduction to the International Criminal Court* (Cambridge: Cambridge University Press, 2004), Second Edition, 175.

114. Bassiouni, op.cit. 65.

عام، همان اهداف سیستم‌های ملی قابل‌بیان است و در شیوه خاص، اهدافی فراتر از حقوق داخلی موردنظر است که در این راستا می‌توان از صلح و همچنین سازش ملی نام برد که به‌طور ویژه در پرونده احمد الفتی موردتوجه قرار گرفت. در رابطه با دیوان کیفری بین‌المللی - به‌عنوان بخشی از سیستم عدالت کیفری بین‌المللی - نیز می‌توان اهداف عام و خاص مجازات را در نظر گرفت. یکی از پرسش‌های تحقیق، این مسئله بود که آیا دیوان بر رویکرد کلاسیک اهداف مجازات تمرکز دارد؟ دیوان کیفری بین‌المللی هرچند به‌طور مستقیم به اهداف مجازات در سایر دادگاه‌های کیفری بین‌المللی، ارجاع نداده است اما به‌نظر می‌رسد از شیوه «دادگاه‌های کیفری بین‌المللی موردی» تبعیت نموده است و چه از حیث هنجاری و چه از حیث رویه بر بازدارندگی و سزادهی تأکید دارد، هرچند در برخی موارد به هدف اصلاحی اشاره نموده است اما اهمیت قابل‌توجهی برای آن در نظر نمی‌گیرد. دیوان به کارکرد بیانی مجازات توجه دارد، همان‌گونه که در پرونده بمبا گمبو بیان گردید، ولی چنین اهدافی، جزء اهداف اصلی مجازات در دیوان نیستند. در مقدمه اساسنامه رم نیز همان‌گونه که بیان گردید مجازات و بازدارندگی موردتأکید است؛ بنابراین رویکرد کلاسیک اهداف مجازات، همچنان در دیوان خودنمایی می‌نماید و دیوان اولویت خاصی برای آن قائل است. پرسش دوم تحقیق، این مسئله بود که آیا عدالت ترمیمی و جبران خسارت را می‌توان از اهداف مجازات در دیوان دانست؟ دیوان هرچند تلاش نموده است عناصری از عدالت ترمیمی سیستم‌های ملی را بپذیرد اما جبران خسارت از بزه‌دیدگان جرم را نمی‌توان از اهداف مجازات در دیوان دانست، بلکه جبران خسارت در برخی موارد، تنها می‌تواند از آثار مجازات باشد ضمن اینکه بدون درخواست بزه‌دیده قابلیت طرح در دیوان را ندارد، زیرا صدور حکم مبنی بر جبران خسارت منوط به درخواست بزه‌دیده است و مکانیسم جبران خسارت صندوق امانی که دارای شخصیت حقوقی مستقل است، بدون صدور حکم محکومیت نیز در دسترس قرار دارد. بنابر موارد بیان‌شده، می‌توان گفت سیستم عدالت کیفری بین‌المللی به‌طور عام و دیوان کیفری بین‌المللی به‌طور خاص دارای نظام منحصربه‌فرد در رابطه با اهداف مجازات است. در مجموع می‌توان اهداف مجازات در دیوان را به شرح ذیل بیان نمود:

۱. در مقدمه اساسنامه و رویه قضایی دیوان، سزادهی و بازدارندگی موردپذیرش قرار گرفته است؛
۲. آرای صادره توسط دیوان بر مجازات متناسب تأکید دارد و تناسب مجازات در رابطه با اهداف سزادهی و بازدارندگی حتی صلح و سازش، موردتصدیق قرار گرفته است؛
۳. رویه قضایی دیوان برای اهداف اصلاحی، اهمیت چندانی قائل نیست؛
۴. جبران خسارت در دیوان را نمی‌توان از اهداف مجازات دانست بلکه در موارد خاصی و در صورت محکومیت متهم می‌تواند از آثار مجازات باشد.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- آقایی جنت‌مکان، حسین. حقوق کیفری بین‌المللی، مجموعه اسناد بین‌المللی. چاپ اول. تهران: انتشارات جنگل، ۱۳۹۳.
- پریس، ارن. خورشید آهسته بالا می‌آید، عدالت در عصر امپراتوری آویکا. ترجمه سید خلیل خلیلیان. چاپ اول. تهران: انتشارات شرکت سهامی انتشار، ۱۳۹۰.
- رضوی فرد، بهزاد. «از کارکرد سنتی کیفر در حقوق داخلی تا کارکردهای نوین آن در حقوق بین‌الملل کیفری با تأکید در رویه قضایی». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم ۲۱ (۱۳۹۰): ۳۸-۹.
- فلسفی، هدایت‌الله. حقوق بین‌الملل معاهدات. چاپ اول. تهران: فرهنگ نشر نو، ۱۳۷۹.
- کیتی شیایزری، کریانگ ساک. حقوق بین‌المللی کیفری. ترجمه بهنام یوسفیان و محمد اسماعیلی. چاپ دوم. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۹۱.

ب. منابع انگلیسی

- A/conF.183/13(VOL II) United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court, Rome 15 June - 17 July 1998, Official Records, Summary Records of the Plenary Meetings and of the Meeting of the Committee of the whole.
- Ashworth, Andrew. "European Sentencing Traditions." In *Sentencing and Society: International Perspective*, edited by Cyrus Tata and Neil Hutton, 219-232. Aldershot: Ashgate, 2002.
- Bassiouni, Cherif. *Introduction to International Criminal Law*. Ardsley, New York: Translational Publishers, 2003.
- Bassiouni, Cherif: "The Philosophy and Policy of International Criminal Justice." In *Man's Inhumanity to Man – Essays on International Law in Honour of Antonio Cassese*, edited by L.C. Vorah; F. Pocar; Y. Featherstone, 65-126. The Hague: Kluwer Law International, London, 2003.
- Criminal Code of the French Republic (2005).
- Danner, Allison Marston. "Constructing a Hierarchy of Crimes in International Criminal Law Sentencing." *Virginia Law Review* 87 (May 2001): 415-501.
- DeGuzman, Margaret. "Proportionat Sentencing at ICC." In *The Law and Practice of the International Criminal Court*, edited by Carsten Stahn, First Published, 932-962. New York: Oxford University Press, 2015.
- Draft Statute of an International Criminal Court, Article 47 and Commentary, Yearbook of the International Law Commission, 1994, vol.II. part 2, undoc.A/49/10.
- Hermann, Donald H.J. "Restorative Justice and Retributive Justice: An Opportunity for Cooperation or an Occasion for Conflict in the Search for Justice." *Seattle Journal for Social Justice* 16 (2017): 71-103.
- Hoel, Adrian. "The Sentencing Provision of the International Criminal Court: Common Law, Civil Law or Both?" *Monash University Law Review* 33(2) (2009): 264-289.
- ICC Judgement, Decision on Sentence Pursuant to Article 76 of the Statute, the

- Prosecutor v. Germain Katanga T.ch II, No. ICC-01/04-01/07, 23 May 2014.
- ICC Judgement, Decision on the Confirmation of Charges against Ahmad Al Faqi Al Mahdi, No. ICC-01/12-01/15, 24 March 2016.
- ICC Judgement, Decision on the Review Concerning Reduction of Sentence of Mr Germain Katanga Three Judges of the Appeals Chamber Appointment for the Review Concerning Reduction of Sentence, No. ICC-01/04/01/07, 13 November 2015.
- ICC Judgement, Decision on the Sentence Pursuant to Article 76 of the Statute, the Prosecutor v. Germain Katanga, T.CH II, No. ICC-01/04-01/07, 23 May 2014.
- ICC Judgement, Order for Reparations Pursuant to Article 75 of the Statute With one Public Annex (Annex I) and One Confidential Annex *Ex Parte*, Common Legal Representative of the Victims, Office of Public Counsel for Victims and Defence team for Germain Katanga, T.ch II, (Annex II), No. ICC-01/04-01/07, 24 March 2017.
- ICC Judgement, Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi, Judgement and Sentence, T.CH VIII, No. ICC-01/12-01/15, 27 September 2016.
- ICC Judgement, Prosecutor v. Ahmad Al Faqi Al Mahdi, Judgement and Sentence, 27 September 2016.
- ICC Judgement, Prosecutor v. Germain Katanga, Judgement Pursuant to Article 74 of the Statute, No. ICC-01/04-01/07, 7 March 2014.
- ICC Judgement, Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, Decision Establishing the Principles and Procedures to be Applied to Reparations, 7 August 2012.
- ICC Judgement, Situation in the Democratic Republic of Congo, the Case of the Prosecutor V. Germain Katanga, T.Ch II, No. Icc-01/04-01/07, 14 May 2015.
- ICC Judgement, Situation in the Democratic Republic of the Congo IN THE Case of the Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, Judgement Pursuant to Article 74 of the Statute T.CHI, Case No. ICC-01/04-01/04-01/06, 14 March 2012.
- ICC Judgement, Situation in the Democratic Republic of the Congo in the Case of the Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, Decision Establishing the Principles and Procedures to be Applied to Reparations, T.ch I, ICC, 01/04-01/06, 7 August 2012.
- ICC Judgement, Situation in the Democratic Republic on the Congo in the Case of The Prosecutor v. Thomas Lubanga Dyilo, on the Appeals against the “Decision Establishing the Principles and Procedures to be Applied to Reparations” of 7 August 2012 with Amended Order for Reparations (Annex A) and Public Annexes 1 and 2, A.CH, No. ICC-01/04-01/06 AA2A3, 3 March 2015.
- ICC Judgement, The Appeals of the Prosecutor and Mr Thomas Lubanga Dyilo against the “Decision on Sentence Pursuant to Article 76 of the Statute,” Case No. ICC-01/04-01/06 A4A6, 1 December 2014.
- ICC, Judgement, Charge Brought by Prosecution against Ahmad Al Faqi Al Mahdi, ICC-01/12-01/15-70-AnxA, 17 December 2015.
- ICTY Judgement, Prosecutor v. Delalic, Case No, IT-96-21-A, A.Ch, 20 February 2001.
- ICTY Judgement, Prosecutor v. Enver Hadzi Hasanovic, Amir Kubura, Case No. IT-02-47-T-15, T.Ch. 15 March 2006.
- ICTY Judgement, Prosecutor v. Kordic and Cerkea, Case No, IT-95-14/2-A, A.Ch, 17 December 2004.
- ICTY Judgement, Prosecutor v. Milorand Krnojelac, T.ch II, cace no. IT- 09-25-T, 15 March 2002.
- ICTY Judgement, Prosecutor v. Radovan Karadzic, case No- IT-95-5/18-T, T.Ch, 24 March 2016.
- ICTY Judgement, Prosecutor v. Stakic, Case No, IT-97-24-A, A.Ch, 22 March 2006.

- McGonigle, Leyh Brianne. "Victim-Oriented Measures at the International Criminal Institutions: Participation and its Pitfalls." *International Law Review* 12 (2012): 375-408.
- Moffett, Luke. "Elaborating Justice for Victims at the International Criminal Court, Beyond Rhetoric and Hague." *Journal of International Criminal Justice* 13 (2015): 281-311.
- Muttukumara, Christopher. "Reparations to Victims." In *The International Criminal Court: The Making of the Rome Statute: Issues, Negotiations and Results*, edited by Roys Lee, 262-269. The Hague: Kluwer Law International, 1999.
- Pace R., William. "statement of world federalist movement on behalf of the Coalition for an International Criminal Court, United Nations." Last Accessed August 27, 2019. www.un.org/icc/speeches/n_717wfm.html, 17 July 1998
- Permanent Court of International Justice, Case Concerning the Factory at Chorzow, 1998, PCIJ Series, No 17.
- Regulations of the Trust Fund for Victims, Resolution ICC-ASP/4/Res3 Adopted at the 4th Plenary Meeting on 3 December 2005.
- Report of the Court on the Revised Strategy in Relation to Victim; Past, Present and Future, ICC-ASP/11/40, 5 November 2012.
- Report of the Preparatory Committee on the Establishment of an International Criminal Court, vol.II (Compilation of Proposals), General Assembly Official Records, Fifty-first Session Supplement No.22A, undoc A/51/22, 13 September 1996.
- Schabas, Mria William A. *An Introduction to the International Criminal Court*. Second Edition. Cambridge: Cambridge University Press, 2004.
- Schabas, Mria William A. *Unimaginable Atrocities: Justice, Politics, and Right at the War Crimes Tribunals*. New York: Oxford University Press, 2012.
- Trust Fund for Victims, Programme Progress Report 2015.
- Trust Fund for Victims. "Making Reparative Justice, a Reality for Victims." Last Accessed October 5, 2019. www.trustfundforvictims.org.
- Un.doc.A/CinF.183 (vol II), 15 June 1998, 2nd Plen, mtg.II 63.
- United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court, Article 73, Reparations to Victims: Proposal Submitted by the Delegations of France and the United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland, in doc. A/Conf.183/c.1/WGPM/L-28,26 June 1998.
- United Nations Diplomatic Conference of Plenipotentiaries on the Establishment of an International Criminal Court, Draft Statute of an International Criminal Court, Article 73(2)(a), in Report of the Preparatory Committee on the Establishment of an International Criminal Court, Draft Statute and Final Act, undoc, A/conf.183/2/Add.1,14 April 1998.
- Villiger, Mark E. *Commentary on the 1969 Vienna Convention on the the Law of Treaties*. Leiden, Boston: Martinus Nijhoff Publishers, 2009.
- Wyngaert Hon, Christine Van den. "Victims Before International Criminal Courts: Some Views and Concerns of an ICC Trial Judge." *Case Western Reserve Journal of International Law* 44 (2011): 476-494.
- Yung Song, Sang-H. "Speech Remarks to the Board of Directors of Trust Fund for Victims." 18 March 2014, www.trustfundforvictims/sites/default/files/Media-library/documents/pdf/140318-ICC-President-Remarks-to-11th-Board-of-Directors-Meeting-for-web-1-pdf.
- Zernova, Margarita. *Restorative Justice, Ideals and Realities*. Aldershot, Hants, England: Ashgate Publishing, 2007.